



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۴، دوره ۸، شماره ۲، صص ۳۶۲-۳۱۳

خوش به حال وو که آفتو نزده بارش بس

جفت آدمل بی پا نه وریسا نه نشس

(شمس‌اله منصور، خواننده نورآبادی)

جغرافیای انگیزش در پرتو کارزار انتخابات نورآباد فارس

وحید صادقی*، سیدمحمدحسین حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

چکیده

جغرافیای سنگی و ژئومورفولوژی زاگرس بیشترین انگیزش سیاسی را در انتخابات اخیر ایران خلق کرد. پرسش این است که چرا بافت محلی این مناطق چنین انگیزشی نشان داده و چگونه از تحولات بیرونی تأثیر نگرفته است؛ پاسخی که منجر به مفهوم‌سازی «جغرافیای انگیزش» شده است. این مفهوم، در کانتکست اجتماعی به این معناست که فضای سیاسی نسبتاً پرتحرک، با فرمتی جغرافیایی و بر مبنای زادگاه‌باوری و تعلق مکانی، کارزار انتخاباتی را شکل می‌دهد. انگیزه تعلق داشتن به مکان، چنین فضایی را دامن زده است و اصالت جغرافیا و تفاوت‌های منطقه‌ای را برجسته می‌کند. در این فرآیند، شرایط ژئوپلیتیک ایران - چه در داخل و چه در خارج - به‌ظاهر نادیده گرفته شده، اما در باطن، جستجوی حقیقت در پس کنش‌های سیاسی قلمروگرا نهفته است. این نوع جغرافیای انگیزش، روان‌شناسی محیطی‌ست و در پی احساس تعلق است. تعلق مکانی در سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، از سطحی‌ترین تا عمیق‌ترین نیازها نمود پیدا می‌کند. نیاز به عزت نفس یا احترام به خود شامل احساس شایستگی، کفایت و مهارت است و در نهایت، فرد با ایجاد تصویری مثبت از خود در دیگران، این نیاز را تأمین می‌کند. بر این اساس، از دیدبان جغرافیای انگیزش، تحولات سیاسی ایران به‌گونه‌ای پیش می‌رود که کنش‌گران مکان‌های پراکنده - همچون تاجگردون و شاید امید نصیبی در پارلمان دوازدهم - پرجنب‌وجوش و نقش‌آفرین در هسته سیاسی قدرت خواهند بود. چنین بازنمایی، نتیجه بسامد، انگیزه، تعلق مکانی و جغرافیای انگیزش است. نقش ژئومورفولوژی سیاسی فارس، به‌ویژه نورآباد و همسایگان / گچساران، در آینده ایران بارزتر خواهد شد. عامل نخست انگیزش، نیاز است؛ نیازهای رشد و

۱. وحید صادقی؛ پژوهشگر جغرافیای انسانی دانشگاه Vahidsadeghi86@yahoo.com

۲. سیدمحمدحسین حسینی؛ پژوهشگر علوم سیاسی دانشگاه Mh.hossein25@yahoo.com

بالندگی (فرانیاها) تعیین‌کننده هستند. این پرسش مطرح است که آیا هسته سخت قدرت می‌خواهد نسل‌انگیزی رأی‌دهنده‌ی از جنس فرهنگی / حافظ‌شیرازی و تمدنی / آریوبرزن را بپذیرد، یا این نوع رأی، خواسته یا ناخواسته، شکل می‌گیرد؟ در هر دو دیدگاه، جغرافیای‌انگیزش حضور دارد. در واقع، فعال شدن این فرآیند به دلیل وجود تعلق مکانی و تمایل به کارزار انتخاباتی معناگراست، که حامل این پیام اجتماعی و ژئوپلیتیک است: زاگرس در قامت قلمرو انگیزش بیدار است و نقش‌آفرینی‌اش در فرایند سیاسی به این امید است که نخست، سرزمین ایران را منبع ثروت و زرخیزی دیده و دوم، نخبگان این دیار در راستای کشورداری بهینه به کار گرفته شوند تا مشارکت اجتماعی در امور خرد و کلان کشور استمرار یابد.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای‌انگیزش، کارزار انتخابات، نورآبادمسنی فارس

مونیخوم تیر آرش و گم آبو / کمونش مسخره‌ی ای مردم آبو
 مونیخوم مانی و مزدک ول آبو / یه تُپ زرتشت خینوم و گِل و ابو
 (به یاد نوازله احمدی، شاعر پست مدرن ممسنی)

۱) درآمد

تحولات جغرافیای سیاسی ایران به گونه‌ای پیش رفت که تنها گردشگری فعال چهار دهه‌ی اخیر یعنی انتخابات، عملاً رسانه‌ای شد. انسان‌شناسی سیاسی نشان می‌دهد ایرانی‌جماعت در جستجوی سیاست و سازوکار اجرای انتخاباتی در طی چهاردهه‌ی گذشته بوده است. مشارکت توده‌ای تا مجلس پنجم و کنشگری در مجلس ششم و انفعال و انتصاب تا آخرین فرایند سیاسی در کانون توجه انسان ایرانی بوده است. این کلیت قضیه است اما در مقیاس خردتر، جغرافیای شور در فرمت مشارکتی و مشترکی به ظاهر و اما در جستجوی حقیقت بودن در باطن تا سرحد دوازدهمین انتخابات مجلس، کم‌رمتی ادامه داشت. به نظر می‌رسد اقلیم جغرافیایی فلات ایران و در اینجا به خصوص زاگرس جنوبی فارس، در قامت جغرافیای متحرکی ظاهر شده، هر چند نه به شکل رقابت‌های هیجان‌انگیز موسوی و صمدی درآمد و نه مدنی‌تر به شکل کمپین انتخاباتی قانندی و انصاری، و نه کارزار انتخاباتی احمدی و امینی و نه فبرد انتخاباتی مرادی و گودرزی. به موازات تحولات سیاسی ایران در مقیاس کلان که به سمت فشردگی نیروها می‌رفت، در مقاس محلی، حوزه‌هایی چون نورآباد ممسنی به سمت انفعال کشیده می‌شدند. کلان‌روایت صمدی و موسوی دوده‌ی ذهنیت اجتماعی فضای جغرافیایی را متأثر کرد و کلان‌روایت امینی و احمدی پس از آن افکار عمومی را تحت الشعاع و آخرین کلان‌روایت، مرادی و گودرزی بود. با استناد به اصل آنچه کارزار انتخاباتی در معنای واقعی کلمه‌اش است، می‌توان گفت فضای محلی نورآباد فارس به تبع تحولات سیاسی ایران در مقیاس ملی و فرامنطقه‌ای که تحت الشعاع کشورداری متکی بر ایدئولوژیست، به تدریج که هسته نیروی سیاسی کشور خالی از تنوع جغرافیایی و دموکراسی می‌شد، دامنه‌ی چنین طیفی به مقیاس جغرافیایی همسایگی و سپس منطقه‌ای و آنچه که انزوای ژئوپلیتیک ایران است، تقلیل پیدا کرده است. تحولات ژئواستراتژیک به همراه گرمایش جهانی و حکمرانی گوش‌نگیر، ایران کنونی و نورآباد ممسنی فارس را از عرصه هیجان‌انگیز «گردشگری کارزار انتخاباتی»، کم‌رونق و کم‌امید کرد. تقسیم‌بندی جغرافیای الگوی حق‌رأی‌دهی نشان می‌دهد الگوی رأی آریوبرزنی در مقیاس ملی (۶۴،۲۷ درصد) و در مقیاس محلی و همسایه‌ای نورآباد ممسنی فارس (۸۳ درصد) در ایران و استان (فارس)، بیشترین مشارکت را در رأی‌گیری داشته‌اند. به ظاهر این چنین رأی‌گیری و اندرونی، داشتن حس تعلق مکان برای حصول به نیاز خود شکوفایی در مرتبه آخر مازلو و انتقادی و مطالبه‌ای است. شیوه رأی آریوبرزنی، زبان گویای جغرافیای‌انگیزش به زمام‌داری نامتکی بر اصالت دادن به تفاوت‌های جغرافیایی است. نورآباد ممسنی و همسایگان، پیشنهاد امید به اصلاحات در حکمرانی کنونی ایران در رأی‌گیری دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شمرده می‌شوند از این رو این پرسش که جغرافیای‌انگیزش چیست و چطور رفتار انتخاباتی و الگوی ترجیح انتخاباتی خلق کرده هدف نوشتار پیش‌رو است؟

۲) اهمیت و ضرورت پژوهش

روش کیفی نوشتار از طریق اندیشه، کاوش و پژوهش به‌مدد شواهد موجود یا گردآوری‌شده، و بررسی آماری و کندوکاو داده‌های بایگانی‌شده فراهم شده است. خلق یک مفهوم و بررسی عمیق آن به شکل نمونه‌پژوهی و تست (*Test*) در فضای جغرافیایی و زمینه‌یابی به‌طور مشاهده‌مشارکتی و گفت‌وگوی عینی و مجازی در حین اجرای زنده فرایند سیاسی، کیفیت پژوهش است. درابتدا مفاهیم در قسمت ادبیات نظری تعریف و تبیین شده است و بعد تحولات جغرافیای سیاسی ایران و سپس فضای کلی حاکم بر جامعه ایرانی در نورآباد ممسنی فارس جستجو شده است. مقاله‌ی پیش‌رو بنیادی - تولیدی است چراکه به‌مفهوم و رویکرد جدیدی به نام جغرافیای انگیزش پرداخته و ضمن مفهوم‌سازی آن، مکانیسم‌های خلق چنین مناطقی را بیان داشته است. خلاقیت و نوآوری مقاله در مفهوم و موضوع است. مفهوم نام‌برده در کنار پردازش انتخابات اصلی‌ترین شاخص دموکراسی، در مقیاس ملی (ایران) و منطقه‌ای (حوزه انتخابیه) مفاهیم و شالوده نوشتار کنونی است.

۳) شالوده‌ها، مفاهیم و نظریات

۳-۱) شالوده نوشتار؛ جغرافیای بدن

جغرافیای بدن (*Body Geography*) به محیط تنی و زیسته انسان جغرافیایی گفته می‌شود. جغرافیای بدن که طبیعت است مرز و مرزطلب نیست؛ یکدست فضایی به‌هم‌پیوسته و خاکی را تشکیل داده است. جغرافیای بدن، انسان مکان‌مند در جستجوی بقا همراه با پرسش‌هایی بی‌شمار و پیچیده به‌مثابه تن رازآلود است. هستی در چشم او، علفزارهای طبیعت در شکل مو، شکاف‌ها به‌مثابه تنگه‌ها و عضوهای برجسته همچون موز و پرتقال در بدن انسان جغرافیایی نمایان است. باران طبیعت، اشک چشم است. عضوهای این جغرافیا خصلتاً امید و انگیزش می‌آفرینند. در چنین جغرافیایی، چشم به‌افق، دست به آسمان، پا به مکان، قلب برای جهت و عقل برای تصمیم‌گیری ساخته شده است که جملگی انگیزش و بقا را برای انسان جغرافیایی می‌آفرینند. تفاوت انسان جغرافیایی با انسان هوشمند مصنوعی در کیفیت جغرافیای بدن است. جنس خاکی و زمینی انسان در مقایسه با تن مجازی و رباطی هوش مصنوعی بارزترین تفاوت است. باوجوداین، هوش مصنوعی هرچقدر هم پیشرفته و فست شود این جغرافیای بدن است که تبدیل به ابرانسان می‌شود.

تصویر (۱) جغرافیای بدن



۳-۲) مفهوم دموکراسی

جهان خلقت بر بنیاد اصل «تنوع» بر ساخته شده است. گوناگونی در تمامی پدیده‌ها و پدیدارها آشکار است. از منظر هستی‌شناسی، خالق هستی، وحدتی متکثر و آثار او بر مبنای این اصل بنیادین شکل گرفته است. این‌طور اصالت‌دادن به چندگونگی و انواع، دال بر زیربنای دموکراسی جهان خلقت دارد و دموکراسی درحقیقت یعنی اصالت‌دادن به تنوع در فضای جغرافیایی. در واقع آن دست سیستم‌های سیاسی که قائل به تفاوت‌های جغرافیایی و پذیرش واقعیت‌های متفاوت فضایی/مکانی هستند از دموکراسی برخوردارند. با فهم تمایزات جغرافیایی و تقبل انحاء انسان‌ها، گروه‌ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه، زمینه برای نقش‌آفرینی و مشارکت این دسته افراد در متن سیاسی فراهم می‌شود در این صورت با ورود همه اشکال بازیگرسیاسی در طیف‌های مختلف فکری فرایند سیاسی، بنیاد رقابت که شالوده مردم‌سالاری است شکل می‌گیرد. بنابراین تنوع (*Variety*)، بن‌مایه و هسته دموکراسی را دربر می‌گیرد و عنایت به تفاوت‌ها و تکثر از هر نوعی، دموکراسی را بنیان می‌نهد (صادقی، ۱۴۰۲: ۵۵).

«همه‌پرسی» (*Referendum*)، ناهمانند با «انتخابات» (*Election*) و عبارت است از «برگشت» و «بازگشت» به آرای عمومی «مردم» برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهم، راهبردی و تأثیرگذار اجتماعی-سیاسی-حقوقی؛ صدای مستقیم «مردم» دانسته شده است که با «تصمیم بزرگ»، سرنوشت کشور را، رقم می‌زنند (خلیلی، ۲۲ مرداد ۱۴۰۴). همه‌پرسی، اصلی‌ترین مبحث جغرافیای انتخابات برای / در جغرافیای سیاسی است. جغرافیای سیاسی، همه‌پرسی است اما ژئوپلتیک، اسنپ‌بک است. وقتی کشوری، سیاسی می‌شود، رنگ جغرافیای سیاسی، و به سمت همه‌پرسی، می‌رود.

همه‌پرسی گاه به شکل قانون‌مند و بعضاً به شکل سیاسی شکل می‌گیرد. در اینجا ژئوپلتیک، کاتالیزور است. با بررسی تاریخی همه‌پرسی در کشورها، در بستر زمان، متوجه می‌شویم نیروهای درونی و بیرونی، کشورها را به سمت دموکراسی، کشانده است.

تصویر (۲) ۱۵ سپتامبر روز جهانی دموکراسی



منبع: سازمان ملل متحد

۳-۳) تعریف و نظریات انگیزش

انگیزش (*Motivation*) نیروی ایجادکننده، نگهدارنده و هدایت‌کننده رفتار است و به وسیله یک نیاز یا خواست که انگیزه (*Motive*) نامیده می‌شود به وجود می‌آید (گستری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۷). به‌طور کلی انگیزش^۱ را می‌توانیم حالتی در افراد بدانیم که آنان را به انجام رفتار و عملی خاص متمایل می‌سازد (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۵۶). نظریه‌های انگیزش را می‌توانیم به دو گروه کلی نظریه‌های محتوایی^۲ و نظریه‌های فرایندی^۳ تقسیم کنیم. نظریه‌های محتوایی می‌کوشند تا عواملی که افراد را به کار وامی‌دارند، دقیقاً مشخص سازند. در این نظریه‌ها، نیازها و محرک‌هایی که موجب انگیزش می‌شوند برشمرده و غالباً نحوه ارضای آن‌ها در سازمان بیان شده‌اند. به فرض در مکتب مدیریت علمی، پول و پاداش‌های مادی به عنوان ابزارهای اصلی انگیزش عنوان، و در مکتب مدیریت روابط انسانی، نیازهای غیرمادی چون نیاز به محبت و صمیمیت، حرمت و احترام، و نحوی سرپرستی، اساس انگیزش کارکنان قلمداد شده‌اند. اما در نظریه‌های فرایندی، بیش‌تر بر جریان و فرایند انگیزش افراد تأکید شده است. به عبارت دیگر، در نظریه‌های فرایندی قبل از آن‌که بر یک یا چند عامل خاص، که موجب انگیزش می‌شوند، تکیه شود به چگونگی و نحوه انگیزش

^۱ . Motivation، انگیزش از ریشه لاتینی کلمه *Movere* به معنای حرکت گرفته شده است.

^۲ . Content Theories

^۳ . Process Theories

افراد از نظر ادراکی پرداخته شده است. به عنوان مثال در نظریه انتظار و احتمال، ویژگی‌های ادراکی انگیزش و نحوه ارتباط آن‌ها با هم نشان داده شده‌اند و نظریه در مورد این که چه عواملی در سازمان موجب انگیزش کارکنان می‌شوند، مطلبی ارائه نمی‌دهد. به طور کلی نظریه‌های فرایندی به دنبال بیان و تشریح فرایند و جریان کلی انگیزش در افراد انسانی هستند (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

۳-۳-۱) نظریه‌های محتوایی

الف) نظریه سلسله مراتب نیازها

در این نظریه^۱ نیازهای آدمی در پنج طبقه قرار داده شده‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از: نیازهای جسمانی^۲، نیاز به امنیت^۳، نیاز به محبت^۴، نیاز به حرمت^۵ و نیاز به خودیابی^۶ و کمال. نیازهای مذکور در سازمان به صورت پرداخت حقوق و مزایا و امکانات رفاهی، ایجاد امنیت شغلی و مقررات حمایتی، تشکل‌های گروهی رسمی و غیررسمی در محیط کار، قائل شدن حرمت برای فرد و کار او در مراتب مختلف سازمان، و ایجاد امکانات برای شکوفایی توان بالقوه افراد، ارضا می‌شوند. به طبقه‌بندی مذکور، دو نیاز دانش‌اندوزی و شناخت و درک پدیده‌ها^۷ و نیاز به زیبایی و نظم^۸ نیز اضافه شده است که قبل از نیاز به خودیابی قرار می‌گیرند. تصویر ۳) سلسله مراتب نیازها را نشان می‌دهد. اگرچه نظریه سلسله مراتب نیازها مستقیماً برای انگیزش کاری طراحی نشده است، اما می‌توانیم نتیجه بگیریم که با ارضای این نیازها برای فرد، انگیزه به کار در سازمان ایجاد خواهد شد و شاید این ساده‌ترین و صریح‌ترین خواست‌ها را به وجود می‌آورد و در راه برآوردن این خواست‌هاست که فرد به رفتاری خاص دست می‌زند و انگیزه عمل در او بیدار می‌شود. تصویر ۵) نشانگر فرایند انگیزش از طریق ارضای نیازهاست.

برخی از صاحب نظران، رابطه نیاز و انگیزش را به این صورت توصیف کرده‌اند که نیاز در فرد ایجاد محرک می‌کند و محرک باعث می‌شود فرد به سمت هدفی برای ارضای نیاز خود حرکت کند و انگیزش اتفاق بیفتد. براساس این نظریه، محرک یا انگیزه احساس نیازی است که جهت‌دار و به سمت هدفی موحد حرکت شده است. نیاز یک احساس است، اما محرک یا انگیزه حاوی اقدام و عمل و نیرویی زاینده و برخاسته از نیاز است (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۵۷).

1. Hierarchy of Needs

2. Physiological Need

3. Safety Need

4. Love Need

5. Esteem Need

6. Self-Actualization

7. Cognitive Need

8. Aesthetic Need

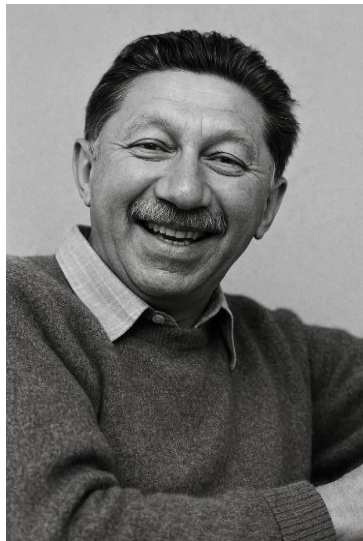
تصویر ۳) سلسله مراتب نیازها



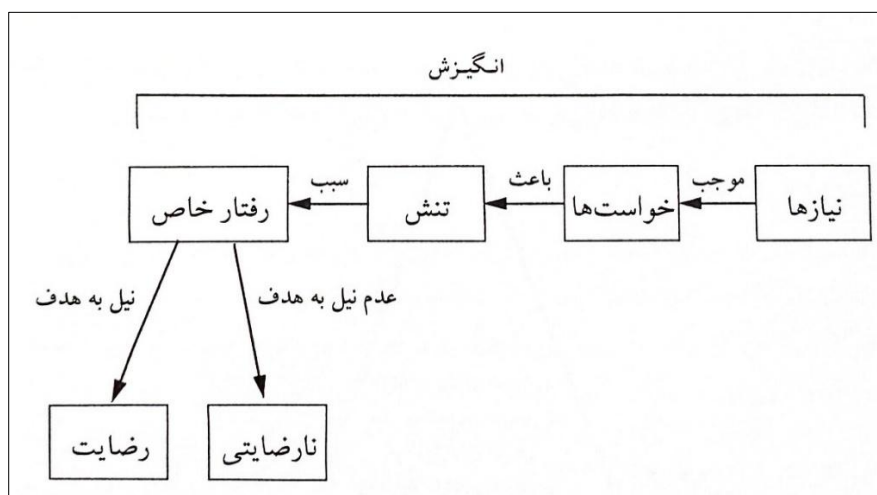
منبع: (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۵۹)

تصویر ۴) آبراهام هرولد مزلو،

(امروزه او برای نظریه «سلسله مراتب نیازهای انسانی» اش (هرم مازلو) شناخته شده است)



تصویر ۵) فرایند انگیزش از طریق ارضای نیازها



منبع: (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۰)

ب) نظریهٔ دوجنبه‌ای انسان

در این نظریه^۱ به دو دسته مفروضات متضاد دربارهٔ طبیعت انسان و نحوهٔ نظارت و سرپرستی او ارائه شده‌اند. از یک سو در جنبهٔ منفی، انسان موجودی توصیف شده است که طبیعتاً علاقه‌ای به کار ندارد و راحت طلب و از کار گریزان است. به همین جهت از قبول مسئولیت نیز حتی المقدور پرهیز می‌کند و تنها راه کار خواستن از او، اجبار و کنترل مستقیم و ترس از تنبیه است. در این بخش از نظریه چون شغل و کار فرد هیچ‌گونه انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کند باید با محرکه‌های خارجی، مثل پاداش و تنبیه، فرد را وادار به کار کنیم.

از سوی دیگر در جنبهٔ مثبت، انسان موجودی قلمداد شده است که طبیعتاً علاقه به کار در ذات و فطرت او به ودیعه نهاده شده است و از مسئولیت گریزان نیست. با چنین پیش فرضی در مورد انسان، در صورتی که برای وی شرایط مطلوب کار فراهم شود، او در جست‌وجوی مسئولیت و طالب کار خواهد بود و برای کارکردن نیازی به اجبار و ارباب نیست. در این توصیف از انسان، فرد در کار مناسب، خودکنترل و خودانگیز است و در راه رسیدن به اهداف سازمان از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نمی‌کند (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

پ) نظریهٔ دوعاملی انگیزش

در این نظریه^۲ یک سری از عوامل در کار به‌عنوان عوامل انگیزاننده^۳ و یک سری دیگر از عوامل تحت‌عنوان عوامل بقا، نگهدارنده، یا بهداشت^۴ نام‌گذاری شده‌اند. عوامل بقا به عواملی اطلاق می‌شوند که وجودشان در کار ضروری است، نبودشان ایجاد مشکل می‌کند اما باعث برانگیختن افراد به کار نمی‌شوند. این عوامل که خاصیت

۱. McGregor's Theory X and Theory Y

۲. Herzberg's Two-Factor Theory

۳. Motivator

۴. Hygiene Factors

نگهدارندگی و ابقا دارند، در صورت حذف شدن از شغل فرد ایجاد نارضایتی می‌کنند، اما وجودشان موجب انگیزش نیست. عواملی مانند حقوق و شرایط فیزیکی محیط کار، از این زمره‌اند. اما عوامل انگیزاننده، عواملی هستند که باعث ترغیب و انگیزش می‌شوند. توفیق و پیشرفت در کار و احساس رضایت از شغل نمونه‌هایی از این دسته عوامل‌اند. براساس این نظریه، مدیر زمانی می‌تواند در ایجاد انگیزه برای کارکنان موفق باشد که به دو گروه از این عوامل توجه کامل داشته باشد (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

ت) نظریه انگیزش موفقیت

در این نظریه^۱ کوشش می‌شود تا انگیزه‌هایی، که باعث می‌شوند فردی نسبت به دیگری بیش‌تر بکوشد و جویای توفیق باشد، شناخته شوند و این نکته، که آیا می‌توانیم این انگیزه‌ها را در افراد به‌ظاهر فاقد آنها به‌وجود آوریم، مشخص شود. اصولاً انگیزه توفیق‌طلبی محرکی است که اگر در فرد ایجاد شود او را وامی‌دارد تا حداکثر کوشش خود را در نیل به اهداف مورد نظر به‌عمل آورد. کسانی که این انگیزه را دارند حد متعادلی از مخاطره در کار را می‌پذیرند، علاقه‌مند به دریافت بازخورهای آنی در شغل و کار خود هستند، از انجام کارشان لذت می‌برند و ارضا می‌شوند، و در نهایت تمامی توجه و توان خود را معطوف به کار می‌کنند تا بتوانند به‌طور کامل آن را به‌انجام رسانند.

در صورتی که بتوانیم چنین انگیزه‌ای را در افراد فعال کنیم، مسلماً آنان در حدی بالا تلاش می‌کنند و در تحقق اهداف سازمانی نقشی مؤثر خواهند داشت. براساس این نظریه باید توانایی‌ها و استعدادهای افراد را به آنها شناساند و برخلاف این نظر که انگیزه‌های اصلی در کودکی شکل می‌گیرند و نمی‌توانیم آنها را تغییر دهیم، می‌توانیم به کمک هدایت و آموزش افراد را توفیق‌طلب و دوستدار موفقیت تربیت کنیم (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

ث) نظریه نیازهای زیستی، تعلق و رشد

این نظریه^۲ با نظریه سلسله‌مراتب نیازها شباهت بسیار دارد، ولی تفاوت عمده این دو نظریه در این است که در نظریه پیش‌گفته مراتبی برای نیازها وجود ندارد و آنها در یک پیوستار قرار گرفته‌اند. ممکن است گروهی از نیازها برای هر فردی براساس شخصیت، روحیات، فرهنگ، و آموخته‌های او مطرح می‌شود و اهمیت پیدا کند. نیازهای مذکور در این نظریه عبارت‌اند از نیازهای زیستی، تعلق، و رشد. نیازهای زیستی در واقع همان نیازهای جسمانی و امنیت در نظریه سلسله‌مراتب نیازها هستند. نیاز به تعلق، شامل نیازهایی چون محبت و ارزش و احترام بوده، و نیاز به رشد، میل به کمال و تعالی در آدمی است. این نظریه نیز چون نظریه نیازها می‌کوشد تا مسئله انگیزه را از این طریق تبیین کند (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

¹. McClelland's Achievement Motivation

². ERG (Existence, Relatedness and Growth)

۳-۳-۲) نظریه‌های فرایندی

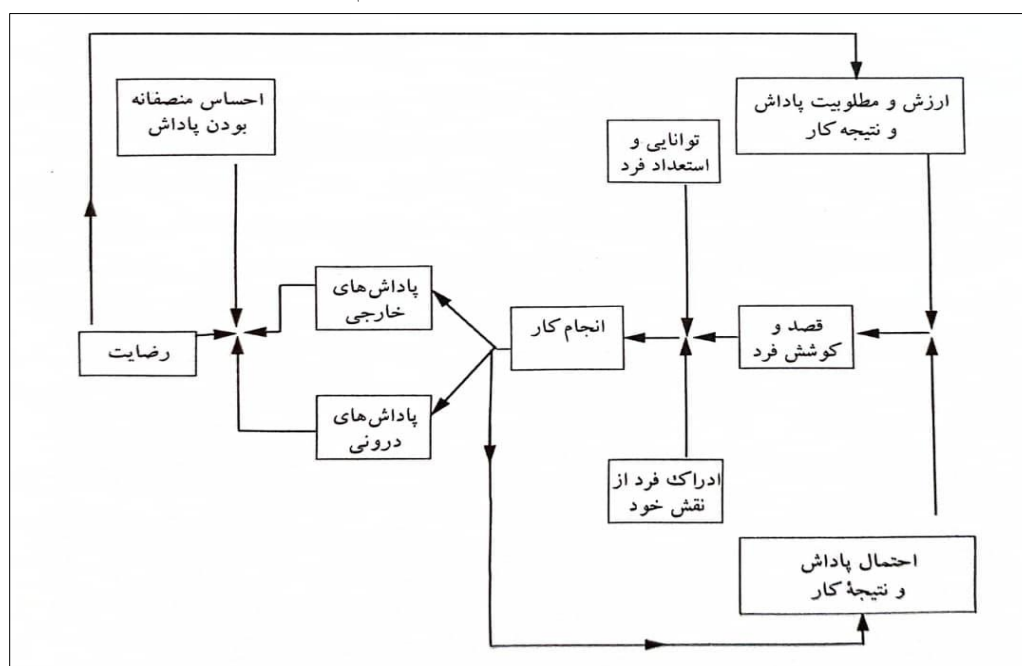
الف) نظریه انتظار و احتمال

ریشه نظریه انتظار و احتمال^۱ در نظریه‌های ادراکی قرار دارد. براساس این نظریه انگیزه فرد برای انجام یک کار خاص، ناشی از میزان انتظار و احتمالی است که او بر حصول نتایجی خاص مترتب می‌داند. به عبارت ساده، فرد آن انگیزه کاری را، که حداکثر نتیجه برایش متصور باشد، پیدا می‌کند. براساس یکی از نظریه‌های انتظار و احتمال، نیروی انگیزشی، حاصل ضرب اولویت‌های فرد و میزان انتظار و احتمالی است که بر وقوع نتیجه مورد نظر متصور است.

انتظار × اولویت‌ها = نیروی انگیزشی

در یکی دیگر از نظریه‌های انتظار و احتمال، قصد فرد به انجام کار و رضایت او تحت تأثیر عواملی چون ارزش مطلوبیت پاداش و نتیجه، انتظار و احتمال وقوع پاداش و نتیجه، توان و استعداد فرد در کار، ادراک فرد از نقش خود در سازمان و احساس منصفانه بودن پاداش و نتیجه، قرار دارد. تصویر ۶) نشان‌دهنده نحوه ارتباط و تأثیر این عوامل در کار و رضایت فرد است (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

تصویر ۶) نحوه ارتباط و تأثیر عوامل مختلف در انجام کار و رضایت فرد



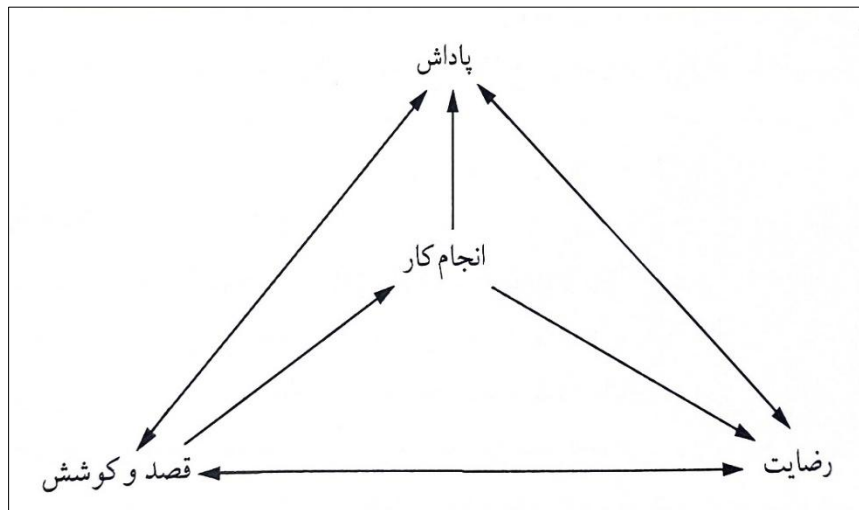
منبع: (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۲)

در نظریه‌ای دیگر، رابطه بین قصد و کوشش و انجام کار با رضایت و پاداش به گونه‌ای بسیار ساده بیان شده است. براساس این نظریه قصد فرد به انجام کار تحت تأثیر رضایت و پاداشی است که بر آن کار مترتب است. شکل ۷) رابطه

^۱. Expectancy Theory of Motivation

این عوامل را نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل مذکور ملاحظه می‌شود، رضایت و پاداش ناشی از انجام کارند، و بر کوشش و قصد فرد به انجام کار اثر می‌گذارند. همچنین رضایت و پاداش بر هم نیز مؤثرند. به‌طور کلی، تمامی عوامل پیش‌گفته با هم در ارتباط و تعادل هستند، اما ذکر این نکته، که انجام کار مستقیماً تحت تأثیر قصد و کوشش قرار دارد، مهم است (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

تصویر ۷) ارتباط بین انجام کار و قصد و کوشش با رضایت و پاداش



منبع: (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۳)

ب) نظریهٔ برابری

براساس این نظریه، هر فرد نسبت نتایج حاصل از کار خود به نهاده‌هایش در آن کار^۲ را با دیگران مقایسه و در این مقایسه احساس برابری یا نابرابری می‌کند. نتایج و نهاده‌های فرد و دیگران، مبتنی بر تصورات و ادراکات شخص‌اند. سن، جنسیت، تحصیلات و تجربیات فرد، موقعیت اجتماعی و سازمانی، میزان کوشش و تلاش فرد، همه مثال‌هایی از نهاده‌ها هستند. نتایج شامل عواملی مانند دستمزد، مقام و مرتب سازمانی، پاداش و ترفیع هستند. در مقایسهٔ فرد با دیگران، در صورتی که وی احساس نابرابری کند، می‌کوشد تا به برابری برسد. این تلاش برای نیل به برابری نشان‌گر انگیزش به کار است. قدرت این انگیزش، مستقیماً با میزان نابرابری، که فرد تصور می‌کند مرتبط است. برای رسیدن به برابری، فرد به رفتارهایی مختلف دست می‌زند و نتایج یا داده‌ها را تغییر می‌دهد. براساس این نظریه، افراد طبیعتاً خواستار برابری هستند و حتی زمانی که احساس نابرابری مثبت می‌کنند، می‌کوشند تا از طریق به برابری برسند. البته کسانی که احساس نابرابری منفی می‌کنند، مثلاً تصور می‌کنند که نسبت به دیگران زیاده‌تر کار کرده‌اند ولی به آن‌ها کم‌تر پرداخته شده است، می‌کوشند تا از طریق کاهش کیفیت تولید یا کار کم‌تر به برابری مورد نظر دست یابند. نظریهٔ

^۱ . Equity Theory

^۲ . Person's Outcomes
Person's Inputs

برابری، مسئله انگیزش را جدای از مسئله نیازها مطرح می‌سازد و می‌کوشد تا تبیینی تازه از فرایند انگیزش به دست دهد (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۳).

پ) نظریه اسناد

نظریه اسناد به عنوان یک نظریه ادراکی، نقش برداشت‌ها و ادراکات فرد را در انگیزش او به کار، مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این نظریه کوشش شده است تا اسناد و برداشت‌های افراد از علل رفتارها در نقش مشاهده‌کننده^۱ رفتار یا انجام‌دهنده^۲ آن رفتار بررسی شده و تحلیل شود. غالباً شخص هنگام بررسی رفتار خود در صورتی که موفق شده باشد، علت را ویژگی‌های فردی و توانایی‌های خود قلمداد می‌کند و عدم موفقیت خویش را به عوامل محیطی و علل خارجی نسبت می‌دهد. اما در نقش مشاهده‌شونده ممکن است موفقیت فرد به عوامل خارجی و شکست‌های او به عوامل درونی و شخصی وی نسبت داده شود. جدول (۱) این برداشت‌ها را نشان می‌دهد. برای رفع این ابهام از سه معیار تفاوت^۳، تداوم^۴ و تطابق^۵ استفاده می‌شود.

جدول (۱) اسناد رفتارها به علل درونی و بیرونی

عملکرد فرد	بررسی‌کننده	اسناد به
موفق	اقدام‌کننده	ویژگی‌های فردی، علل درونی
	مشاهده‌کننده	عوامل محیطی، علل خارجی
ناموفق	اقدام‌کننده	عوامل محیطی، علل خارجی
	مشاهده‌کننده	ویژگی‌های فردی، علل درونی

منبع: (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۴).

تفاوت مقایسه عملکرد فرد در یک وظیفه خاص با عملکرد او در سایر وظایف اشاره دارد. هر قدر تفاوت بین دو عملکرد بیش‌تر باشد، احتمال این‌که علت عملکرد مورد بحث یک عامل خارجی باشد، بیش‌تر است. تداوم به چگونگی انجام یک وظیفه در طول زمان اطلاق می‌شود. اگر فرد به‌طور مداوم از عهده ایفای وظیفه مورد نظر بر نیاید، شکست او به احتمال زیاد ناشی از عوامل درونی و ویژگی‌های فردی اوست. و سرانجام تطابق به چگونگی ایفای وظیفه خاص توسط کارکنان هم‌تراز اشاره دارد. در صورتی‌که اکثریت کارکنان هم‌تراز فرد مورد نظر در ایفای یک وظیفه خاص ناموفق شوند، می‌توانیم علت رفتار را به عوامل خارجی اسناد کنیم. برای بررسی دقیق‌تر علل رفتارها، عوامل داخلی و خارجی، را به دو دسته عوامل پایدار و ناپایدار تقسیم می‌کنیم. هنگام اسناد رفتارها به عوامل خارجی

1. Observer
 2. Consistency
 3. Distinctiveness
 4. Consistency
 5. Consensus

و داخلی، باید در نظر داشته باشیم که آیا این عوامل پایدارند و یا ناپایدار. به عنوان مثال فقدان توانایی عاملی داخلی و پایدار به شمار می‌رود؛ در حالی که فقدان کوشش و تلاش، عاملی داخلی و ناپایدار است؛ به این معنی که در اولی فرد نمی‌تواند استعداد و توانایی خود را به سادگی افزایش دهد در حالی که در دومی فرد قادر است با تلاش بیش‌تر سطح بازدهی خود را افزون کند. به همین ترتیب بداقبالی عامل ناپایدار خارجی و سختی وظیفه عامل پایدار خارجی محسوب می‌شود. به طور خلاصه نظریه اسناد تلاشی است در راه شناخت پیچیدگی‌های رفتار آدمی در سازمان و تأثیر تلقی‌های وی در رفتارهایی که از او سر می‌زند (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

۳-۴) نظریه شادکامی؛ مارتین سلیگمن چه می‌گوید؟

مارتین سلیگمن^۱ در سال ۲۰۰۲ میلادی با بیان نظریه شادکامی که به مفهوم «اودایمونی» (*Eudaimonia*) ارسطو شباهت بسیاری دارد، گام بزرگی را در جهت تعریف شادکامی برداشت. ارسطو، شادکامی را در خوب‌بودن، نیکی کردن و زندگی در سایه آن می‌دانست و سلیگمن به پیروی از این جمله، شادکامی حقیقی را رسیدن به فراخنای شناسایی و رشد توانایی (کنجکاو، نیروی حیاتی و قدردانی) در بازی، کار و عشق بیان کرده است. سلیگمن، شادکامی^۲ را موضوع اصلی رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا دانست و آن را به سه مولفه هیجان مثبت (زندگی لذت‌بخش)، مجذوب شدن (زندگی جذاب) و معنی (زندگی با معنی) تقسیم کرد. بر پایه این رویکرد، راهبردهایی که به آزمودنی‌ها کمک می‌کند تا یک زندگی لذت‌بخش، جذاب و بامعنا را بسازند، مداخله مثبت‌گرا گفته می‌شود. او شادی را حق مسلم و طبیعی هر انسان می‌داند و معتقد است برای دستیابی به آن باید برنامه‌ریزی و تلاش کرد. وی شادی واقعی را قابل حصول و دستیابی می‌داند و آن را به عنوان واقعیتی که زندگی را شیرین‌تر و روابط انسانی را سرشار و غنی می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهد. شادی^۳ از دیدگاه سلیگمن، در سه بعد گذشته (در قالب رضایت و بهزیستی)، حال (در قالب جاری‌بودن، خوشی، لذت‌بردن و شادمان‌بودن) و آینده (در قالب شناخت‌های سازنده، امید، خوش‌بینی و ایمان) خلاصه می‌شود.

در سطح فردی، سلیگمن بر ظرفیت‌های مثبت انسانی چون عشق‌ورزیدن، کار و تلاش، مهارت‌های بین‌فردی، حس زیبایی‌شناسی، توانایی در بخشیدن، داشتن اصالت و ابتکار، ذهن آینده‌نگر، هوشمندی و خردمندی تأکید می‌کند. در سطح گروهی نیز دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌نگر بر ویژگی‌های مثبت مدنی و همچنین سازمانی و موسسه‌ای تأکید دارد که انسان را به سمت شهروند بهتر بودن، مسئولیت‌پذیری، نوع‌دوستی، اعتدال، استحکام شخصیت، بردباری، داشتن اخلاق حرفه‌ای و مدنی سوق می‌دهد. به‌باور سلیگمن (۲۰۰۲) سه راه برای رسیدن به شادکامی وجود دارد: الف) زندگی فرح‌بخش (*Pleasant Life*): سطح بالای هیجان مثبت و رضایت‌مندی را میسر می‌کند؛ ب) زندگی خوب:

1. Martin Seligman

2. Well-Being

3. Happiness

کشش مداوم، اشتیاق (*Engagement*) و «غرقگی» را ممکن می‌کند؛ ج) زندگی با معنا؛ جایی که فرد توانمندی‌هایش را در خدمت چیزی بزرگ‌تر از خویشتن به کار می‌گیرد (Seligman, 2002: 45-65).

تصویر ۸) پروفیسور مارتین سلیگمن، روان‌شناس آمریکایی، استاد دانشگاه و نویسنده کتاب‌های خودیاری (شاخه‌ی جدید روان‌شناسی مثبت‌گرا توسط Martin Sligman، رئیس‌وقت انجمن روان‌شناسی آمریکا بنیان‌گذاری شد)



۳-۵) جغرافیای انگیزش چیست؟

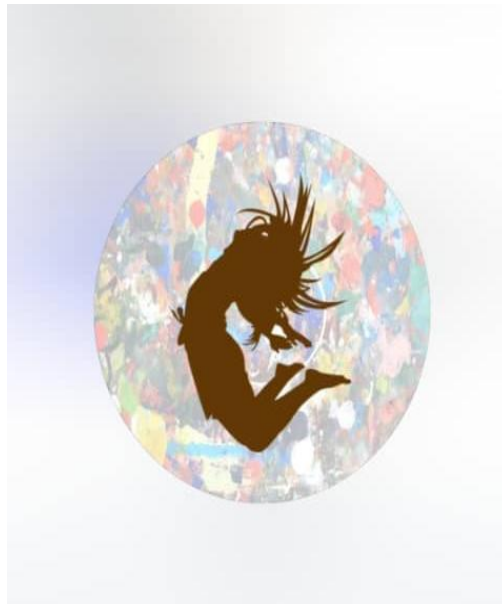
جغرافیای بدن، صرفاً جسمانی نیست، مکانی خاکی ست. رنگ فلسفه جغرافیایی دارد. با زیربنای جغرافیای طبیعی / طبیعت و روبنای ویژگی اکولوژیک و ویژگی فیزیک بدنی. جغرافیای جسمی^۱ مایه‌ی جغرافیای بدن است و قسمت‌ها و عضوهایش را شامل می‌شود. جغرافیای انگیزش (*Geography of Motivation*) به مطالعه‌ی تاثیر محیط جغرافیایی بر انگیزه‌ها و رفتار انسانی و اجتماعی می‌پردازد. طبیعت بدنی و طبیعت خاکی هر دو جغرافیای بدن انگیزشی خلق کرده است. از منظر اکولوژیک، انسان فیزیکال جزئی از طبیعت (جغرافیای طبیعی) در چرخه‌ی زیست است، و به مثابه‌ی سایر پدیدارها ارزشمند و هدفدار خلق شده، از منظر فرمی، سیمایی، گوشتی، پدیداری در هر صورت چه به صورت تاثیر محیط بر ویژگی‌های فیزیکی بدن و چه به صورت همان‌بودن اکولوژیک و چه به صورت ابرانسانی هم درخشان و جذاب است. انسان، جغرافیای بدن بسیار شگفت‌انگیز و شمولی‌ست که تنها عنصر ژئوپلتیک جهان است که در آخرین مرحله کشاکش بین مردم و دولت، سرانجام این دولت است که در مقابل جغرافیای بدنی به نام انسان، شکست می‌خورد. جغرافیای بدن، منادی صلح و صلح‌جوست به این دلیل، مرز را بر نمی‌تابد که می‌داند در طبیعت مرز نیست و مرز به دست انسان که توسط دولت‌ها در پيله مکانیکی و دیوان‌سالاری قرار گرفت و تنش و منازعات انسانی را خلق کرد، در جامعه انسانی وجود دارد. جغرافیای بدن به مثابه‌ی طبیعت، تنها تن‌کشی موجود و زنده در جهان خلقت، مرز ندارد و سطحی گوشتی مکانی فضایی درهم‌تنیده است و مرز در جغرافیا نیست، تنوع

^۱ . Somatogeography

مرزناپذیر است از این رو جغرافیا در جایی که مرز وجود دارد نیست، این نوع جغرافیای توسط جغرافیای بدن انسان امروزی در حال ساخت است و جغرافیا سطح زندگی اجتماعی را بی رنگ و بی مرز می بیند و در مقابل خود دولت را دارد که در این کشاکش، دولت به تدریج در حال فرسایش است. مرز برساخته هیولای سرد است که دولتی و مافیاست و جغرافیای بدنی جدید آزادی خواه و در پی شکوفایی و فرایندها و بی نیازی است.

پویایی و تکاپو خصلت این ظرف است. هر دو خصلت طبیعی و روبنایی، از اندام انسان، جذابیت و فرم بچسبی ساخته است. جغرافیای انگیزش آن بُعد از جغرافیا را دربر می گیرد که کل نگر و همه جغرافیا را در نظر دارد. یعنی مقیاس پذیر و در عین حال یک مقیاسی است. یک مقیاس واحدی به نام کره زمین و مقیاس های مکانی فضایی مختلفی که به شکل تقسیم بندی های فضایی / اداری / سیاسی / جغرافیای انسانی نمود پیدا کرده است. جغرافیای انگیزش تاکنون در مقیاس دولت ملت در نقشه سیاسی جهان نمود داشته است و در این بین دولت های نیوزلندی، فنلاندی، اتریشی، هلندی که مردم سالاری راستین و دولت زدا بوده اند، بیشترین جغرافیای انگیزش را به نسبت با دیگر جغرافیای سیاسی دولت ها خلق کرده اند. در مقیاس منطقه ای، بیشترین سطوح ها، در مناطق ساحلی و آزاد بوده است که گردشگری و انگیزش را خلق کرده است. در حوزه داخل کشورها، در مقیاس استان و شهرستان آنجا که بدن، جنبه ای زیسته و مدنی و حوزه های تصمیم گیری و جری ماند ریگ خلق شد، فرایند سیاسی شکل می گیرد و انگیزشی ترین نمود در مقیاسه با دیگر حوزه را شکل می دهد. جنس جغرافیای بدن مناطق جغرافیایی، در پیوستاری از سطحی تا عمیق، شدت دارد که شدیدترین آن تاکنون به شکل حوزه های انتخاباتی نمود داشته است. حوزه های انتخاباتی در دولت های دموکراتیک به طور طبیعی فعال هستند و این در صورتی که حوزه های انتخاباتی در کشورهای دولت متمرکز، مکانیسم مشارکت افزا توسط دولت شامل طیف اقلیت طرفدار حاکمیت اقتدارگرا، جغرافیای تصمیم گیری را خلق می کنند و اکثریت مردم، متاثر از شناسه های دیگر که جملگی منتج به تکاپوی آنها می شوند به پای صندوق رأی می روند. در سلسله نیازها، رأی دهنده ی شهروند، بدون توجه به دولت ها، و برای شکوفایی درونی و احساس جا (هویت مکانی) در صحنه اجتماع حضور پیدا می کنند. می توان هم اکنون خاستگاه جغرافیایی چنین کنشی را در کشورهای ناتوسعه یافته، و دارای بافتار دانست. این نوع بافتار، روان شناسی محیطی دارد که سرزندگی و نشاط اجتماعی را پی جویی می کند، معمولاً محیط های جغرافیایی بکر، تکاپوی سیاسی بیشتری به نسبت با فضاها ی جغرافیایی دولت زده دارند از این رو جغرافیای انگیزش عمدتاً جغرافیای بکر و دست نخورده ای است و مشارکت، جنبه شکوفایی و برانگیخته از خصلت یادمانی نمادی عاطفی قلمرو جغرافیایی دارد.

تصویر ۹) جغرافیای انگیزش



۳-۶) مفهوم کارزار انتخاباتی

کارزار انتخاباتی^۱ به معنای واقعی کلمه در سه شکل «دولتی»، «مدرن» و «جنگلی» ظاهر و شکل گرفته است. رقابت در شکل دولتی‌اش، بازی سیاسی گروهی اقلیت و تمامیت‌خواه است و نام دموکراسی در آن جای ندارد. مدرن به شکل نیوزی‌لند، استرالیا، هلند، اتریش است که حاصلی فضای شبکه‌ای و عقل بشری و ابرانسانی‌ست و تماماً دموکراسی است. جنگلی، دست‌نخوده و بکر است. بنیادهای زیستی، فیزیک نامزدها، بادی‌لنگویچ، و جغرافیای بدن کارزار انتخاباتی را شکل داده است، شبه‌دموکراسی می‌تواند باشد. در پیکار انتخاباتی دولتی، مشارکت، اندک و ایستا و نمایشی است. در کارزار انتخاباتی مدرن مشارکت، عقلانی، هوشمندانه و خویش‌نوار است. جامعه مدنی متکثر و متنوع دو یا چند شکافه حزبی، که احزاب، جنبه رسمیت‌یافته یکدیگر را شرافت‌مندانه پذیرفته و جامعه به‌مثابه جغرافیای بدنی که در جستجوی هدف و شکوفایی است پیش می‌رود. در پیکار انتخاباتی جنگلی، مشارکت در ظاهر، پرجنب‌جوش و در باطن در جستجوی آنچه که در گذشته داشته و قهرمان‌گرا و ایزوله‌شده در خود که بهترین خویش‌ن است، نمود پیدا می‌کند.

^۱ . Election Campaign/ Electoral Competition

تصویر ۱۰) کارزار انتخاباتی



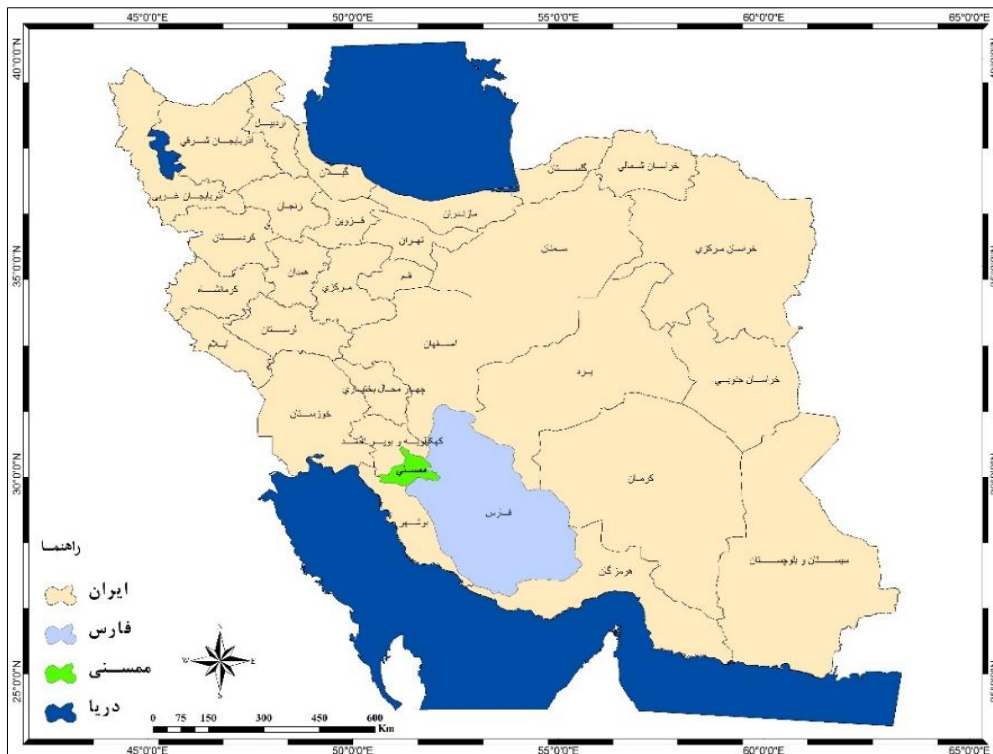
۴) جغرافیاشناسی فارس

نورآباد ممسنی فارس، ناحیه‌ای فرهنگی یک‌دست در این استان است. این یک‌دستی، معنای رقابت سیاسی را در شهرستان تغییر داده و آن را به چندفرهنگی تقلیل داده است. نورآباد، تأمین‌کننده نیروی انسانی استان فارس، توانسته جایگاهی ویژه در استراتژی‌های منطقه‌ای استان خلق کند. با وجود ظرفیت‌های متنوع طبیعی، این منطقه در حوزه خرده‌اقلیم چهارفصل قرار دارد و در حوزه‌های گردشگری، فرهنگی، جغرافیایی، انتخاباتی، هنری و کشاورزی، ویژگی‌های مشابهی دارد. همچنین تنوع انسانی و اجتماعی سکونتگاه‌ها با بافتار مشترک و ساختار فضایی متفاوت، همه‌ی این منطقه را به یک جغرافیای انگیزش بدل کرده است. نحوه‌رأی برجسته در این حوزه، الگوی رأی آریوبرزنی است که مشارکت‌آفرین بوده و ریشه در جنس سنگ‌های کوچک ژئومورفولوژی زاگرس و فلات ایران و بافتار ابرقهرمانی تاریخی دارد! این نوع سنگ محلی، انسان را به جغرافیای بدنی واگرا در کنشی درون‌محور و در تقابل با بیرون سوق داده است. پهنه‌ی گسترده‌ای از رودها، بوته‌ها، جنگل‌ها، خرده‌اقلیم‌ها، پرنندگان متفاوت، فرهنگ، هنر و نیروی انسانی خردمند سبب شده تا این جغرافیای انگیزش به «استرالیا زاگرس» مانند شود. این بازنمایی مکانی، که سراسر توانمندی است، بر جغرافیای بدن نورآباد و انسان ممسنی نشسته و او را به‌طور ماهوی شاد کرده است؛ هیچ چیز

¹. Cochok

مانع شادی او نیست. نغمه‌ی سرخ جان، همراه با هم‌خوانی آهنگ شاد «مَهْسُ خَرَابُ قَاطِمِمْ / یَ شُو رَفِیقِ سَاقِمِمْ» در لحظه‌لحظه زیست این انسان در دامان بلوط‌های عاشق جریان دارد. به عبارتی، نورآبادممسنی فارس نه تنها تندیس فضایی مارتین سلیگمن نیست، بلکه خود تندیس است. سپهر سیاست و کارزار انتخاباتی نیز جدا از این شادکامی نیست. حتی با وجود برخی تراژدی‌ها، می‌توان عصرهای سلیگمنیزه‌شدن کارزار انتخاباتی حوزه‌انتخابیه را مشاهده کرد. گاهی برخی نمایندگان ادوار با شادکامی سازنقاره‌ای در قامت سلیگمن ظاهر شده و گستره فارس را شادمان ساخته‌اند.

تصویر (۱۱) نقشه نورآبادممسنی فارس در جنوب غرب ایران



منبع: (صادقی، ۱۳۹۳: ۵۴)

۵ یافته‌ها

۵-۱) تحولات جغرافیای سیاسی ایران

احتمالاً می‌توان گفت که ایران کنونی، پس از کره شمالی، نامتحرک و ایستاترین سرزمین سیاسی در نقشه جهان است چراکه درانزو است. شاید تا این حد انقباض و انزوا را به خود ندیده است ایران و این، حاصل حکمرانی اولیای امور کشور است. پیش از دالان زنگزور، کریدور ترانزیتی قفقاز جنوبی موسوم به «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه

بین‌الملل»، آخرین بلوک همسایه‌ای، افغانستان و سوریه بود که فروپاشید، بدین‌سخن‌که، کشور از همه‌جهت در تنگنای رفتار بازی‌گران سیاسی ابرقدرت قرار می‌گرفت. شمارش معکوس فعال‌شدن اسنپ‌بک، تا به‌امروز که ۵ شهریور ۱۴۰۴ است، به‌لحاظ «ژئوپلتیک روانشناسی» پراهمیت است.

از طرفی، دیگر همسایه‌ها یکی‌یکی به‌سوی توسعه و متصل به شبکه جهانی می‌شدند درحالی‌که، ایران، سردرگم و نظاره‌گر جریان‌های بیرون ژئوپلتیک و سرگرم مناقشات درونی و سایش دولت با جنبش‌های آزادی‌خواهانه و درگیر تنش و جنگ بین جبهه‌مقاومت و اسرائیل بود. ناترازی آب و برق و فشار جریان آزادی‌خواه درون که ناشی از خفگی انزوایی و ناکارآمدی دولت اقتصادی بود، بار سیاسی و دموکراسی به سرزمین ایران می‌داد. تحولات جغرافیای سیاسی ایران ایجاب می‌کرد کشور پیوست یابد با دیگر تن‌ها و درجه میرایی بدن سرزمینی کاهش یابد اما اولیای امور ایران، خواهان توسعه از درون و به‌گمان خود جریان تواناسازی ملت و امت را در پیش گرفته‌اند. خفگی جغرافیایی چنان شدت یافت که تکاپوی سیاسی در ایران شکل گرفت. جنبش مشارکت ۷۶ و ۸۸ و مجلس ششم بیان‌گر جغرافیای انگیزش ایران است که پیام زنده‌بودن یک سرزمین سیاسی را می‌فرستاد. شکاف سیاسی دولت و ملت روزبه‌روز عمیق‌تر و برجسته‌تر می‌شد تا اینکه رفته‌رفته جغرافیای قدرت، زمانی را طی کرد که محافظه‌کار و خالص‌تر شد. هسته‌ی سخت قدرت، به‌مراتب فشرده‌تر و تُنک‌تر و سخن از دموکراسی انتصابی / دولتی بیشتر به فرایند سیاسی می‌نشست تا کارزار انتخاباتی مدرن و مدنی که در دیگر فضاها سیاسی در جریان بود. ایران به گونه‌ای بیش رفت که اپوزیسیون، نقش‌آفرین و شماری به‌نسبت انتخابات ادوار قبل، سکوت کردند. در واقع ملت‌رأی‌دهنده ایران که تا مجلس ششم و انتخابات ۸۸ چنین مدنی، کنشگری کردند در انتخابات دوازدهم پارلمان، چنان گرفتار زندگی روزمره بودند که گویا عنایتی هم‌چون گذشته به کارزار انتخاباتی نمی‌توانند داشته باشند. چنین نافرمانی مدنی، حامل این پیام است که ملت که زیربنای دولت است و بدون آن دولت محکوم به فناست، اصلی‌ترین شاخص نظام سیاسی که انتخابات است را محملی برای برآورده شدن اهداف اقتصادی و رفاه نمی‌دانند. در این‌بین، خوش‌شانسی موقعیت ممتاز ایران در بین پانزده همسایه، باعث شده تا فضای جغرافیایی، تقلا و زنده بماند.

۲-۵) جغرافیای بدن انسان نورآبادمسنی فارس

جغرافیای بدن این انسان برساخته‌ی محیط زاگرسی فارس است. نیمی از آن دربرگیرنده‌ی سنت‌های زاگرس و نیم دیگر آن، شهری و رنگ ادبیات حافظ و سعدی را دارد. جملگی جغرافیای بدن ترکیبی را خلق کرده است. شاید بتوان گفت، نیمه‌اول، جغرافیای بدن ممسنی دارد و بخش دوم، جغرافیای بدن نورآبادی دارد. این دو از این‌انسان، جغرافیای انگیزش خلق کرده است. عقل و سر این جغرافیا به‌سوی شیراز و فارس است در صورتی‌که، معده و قلب

^۱. برخی معتقدند ایران، هم مرز زمینی با ارمنستان را که تنها راه ورود ایران به قفقاز است از دست داده و هم آمریکا اکنون به ایران نزدیک‌تر شده است (رادیفردا، چهارشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۴).

این بدن به سمت عقبه‌های خود که زاگرس است پیش می‌رود. قسمت شمالی این جغرافیای بدن، خواهان گسترش به سمت گچساران و رشد است و قسمت مرکز و شرق آن به سمت شهر و زبان فارسی و مدرنیته و نیز غرب، گرایش به سواحل و دریا و اقتصاد آزاد را دارد. این که چرا این بدن، تکه‌هایش متمایل به بیرون است، نشان از ضعف فرماندهی مغز است که نتوانسته به درستی مدیریت و دستور دهد. در صورت مدیریت درست جغرافیای بدن، به آن سمت که جایگاه درست خود در استان فارس است، رنج، کمتر و توسعه‌یافتگی بیشتر می‌شود. با این حال چنین انسانی، متأثر از شبکه جهانی، پیش از سایر مکان‌ها به «خودآگاهی» و «خویشتن» نزدیک شده است و به تدریج در حال «پوست‌اندازی» و «ازپيله‌درآمدن» است و پس از آن که نیازهای اساسی آن توسط دولت نه تنها فراهم نشد بلکه از بین رفت، موومنت جدید خودشکوفایی و فرانیاز را درپیش گرفت.

۳-۵) جغرافیای انگیزش و مشارکت سیاسی

۱-۳-۵) الگوی رأی آزادی در نخستین انتخابات مجلس

اولین انتخابات با توجه به فضای سیاسی تازه شکل گرفته‌ی پساانقلابی بود و هنوز جغرافیای قدرت، متمرکز و دولتی نشده بود. از این رو متکثر و بیشترین داوطلب، نامزد کارزار انتخاباتی شدند. فضا آن قدر آزاد و نمایانگر تحرک صعودی بود که حوزه‌انتخابیه، شاهد کاندیدای با طیف وسیع فکری، جناحی، خلقی، مکتبی، سیاسی، انتقادی و آزادی خواهانه بود. هریک از این نامزدها، طرفداران خاص خود را داشتند که در این بین برخی که جغرافیای بدن بچسب تری داشتند آراء بیشتری را از آن خود کردند. در دولت پهلوی، نهاد آموزش با مرادده‌ای که با جهان غرب و دانشگاه‌های برتر دنیا داشت به سرعت در حال تحول قرار می‌گرفت. یعنی تنها نهادی که پس از انقلاب ۵۷، هنوز جنب و جوش داشت و در بدنه جامعه مورد احترام و مقبول بود فرهنگیان بودند. بررسی نامزدهای این دور نشان می‌دهند که اکثر آنها آموزگار و دبیر (مکتب عشایری بهمین بیگی) بودند. بافت سنتی زاگرسی درهم‌تنیده با عقاید شیعه، مردم نورآباد را خوشبین به ورود آیت‌اله خمینی و نهضت‌ش کرد. در این بین برخی که ساداتی بودند انگیزش بیشتری نشان می‌دادند. با این حال فضای خویشاوندی و فامیلی درهم‌تنیدگی ژرفی خلق کرده بود و اهالی محل و دیگر همسایگان و فامیل‌های چند خیابان بالاتر، برحسب احترام به این نامزدها که اکثراً فرهنگی و سن و سال دار و متمول بودند و مدام در چشم هم قرار می‌گرفتند، نمی‌توانستند به همسایه و خویشاوند خود روی خوش نشان ندهند. هر نامزدی در سطح همسایگی و محلی و شهر نورآباد شناخته شده می‌شد. تبلیغات شبکه‌ای نبود و این باعث شکل‌گیری الگوی رأی همسایگی و فامیلی بود. علی انصاری، ابراهیم سادات‌عنا، فرج جعفری بهمین یاری، احمد عبدی‌زاده، هادی سادات از بیشترین جمعیت رأی‌دهنده برخوردار و تکثر نامزد، آراء را تا سرحد پیروزی حتی، بین آنها تقسیم کرده است. در بین نامزدها، آن که توانسته تمام جمعیت رأی خود را به دست بیاورد شجاعیان است. محمد جعفر نجفی علمی و غلام‌شاه رضایی تاحدودی از این رأی کاستند اما جغرافیای بدن این کاندیدا به خصوص در رفتار اجتماعی، قدرت

جذب بالاتری داشت. رقابت در شهر نورآباد، به‌طورفشرده مکانی محله‌ای بود. حضور خیمه‌داران میدان نظیر لشکری، موسوی، سپاهی، غلامی و جمشیدی، چنین رأی‌پرجمعیتی را خُرد و به‌سود شجاعیان که در دل جمعیت‌رأی‌دهنده غیرخویشاوند، کارزار را شروع و شکل داده بود چربید.

براساس معیار زبانی، گویش فارسی جمعیت‌نورآباد و زبان ترک، تقابل‌الگوی‌رأی‌جمعیتی را به‌گونه‌ای شکل داده که درصورت‌اخذنشدن رأی ترک‌زبانان توسط نامزهای غیربومی، کرمی‌آرخلو را تا مرز پیروزی می‌رساند. قوم تُرک، در فضای عشیره‌ای و کوچندگی جمعیت‌بیشتری برای کار نیاز داشت و خانواده‌ها پرجمعیت‌تر دیده می‌شد. تجزیه‌وتحلیل مشارکت‌سیاسی نشان می‌دهد که جغرافیای‌انگیزش این دوره به‌تأثی از فضای پساپنجاه‌وهفت و تصور انسانِ ممسنی برای بلندپروازی در سطح کلان شکل گرفته بود. حضور چنین نامزدهای استخوان‌دار و آزاداندیشی تاکنون در هیچ دوره از پیکارانتخاباتی پیشینه نداشته است. الگوی‌رأی شجاعیان، تنگ‌لله‌ای / خاصی از دو جنس مکتبی شاهنامه‌ای ملاگرگعلی (زاگرسی) و روشنگرانه ملارحیم‌علی (شهری)، الگوی‌رأی انصاری، تنگ‌گجستانی کُردی‌انصاری که نماد ابرقهرمانی و مبارز بود شکل گرفت. الگوی‌رأی آرخلو، کهن‌الگوی قومیتی، و الگوی‌رأی لشکری، شهری، فامیلی و طبقاتی بود. الگوی‌رأی موسوی، فامیلی و آن‌دنیایی بود. در بین این الگوهای‌رأی، رفتار انتخاباتی مدنی و مکتبی شاخه‌تعلیم‌تربیت عشائری به‌من‌بیگی بر جغرافیای‌بدن شجاعیان، بچسب‌تر و همه‌پسندتر جلوه‌گر شد و او را پیروز نخستین انتخابات آزاد، دوازده دوره انتخابات جمهوری اسلامی کرد.

درمجموع، شجاعیان را می‌توان ستاره درخشان شادکامی زیر آسمان شهر نورآبادممسنی ایران قلمداد کرد. شادی او از جنس تن مردمان شادزیست خاکِ ممسنی‌ست؛ چراکه جغرافیا و ایل ممسنی هر دو ذاتاً شاد/سازونقاره‌ای/بلوط عاشقی هستند. به‌سخنی، خرسندی شجاعیان از جنس موسیقی/سازونقاره‌ای اصیل و راستین (بلال، رضاقلی شعبانی، شنبه‌نوایی) بود و همین مسئله او را در دل توده‌ها بچسب، و پیروز کارزار انتخابات کرد. شاید به‌جرات بتوان گفت شجاعیان خودِ مارتین‌سلیگمن است.

جدول ۲) آراء نامزدها در مرحله نخست اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	آراء نامزدها در بخش مرکزی ^۱ (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم، ماهورمیلاتی، دشمن‌زیاری)
۱	صمد شجاعیان	جاوید	۸۶۰۴
۲	علی انصاری	رستم	۶۷۳۶
۳	علی حسین کرمی‌آرخلو	ماهورمیلاتی	۵۳۱۶
۴	سهراب لشکری	بکش	۴۷۵۶

۱. در دور اول انتخابات مجلس شورای اسلامی آراء به صورت متمرکز بر روی بخش مرکزی حساب می‌شد.

۳۳۲۵	رستم	ابراهیم سادات‌عنا	۵
۲۶۲۶	بکش	سید عبدالرسول موسوی	۶
۲۱۴۰	غیربومی	محمدجعفر نجفی علمی	۷
۱۸۵۹	رستم	فرج جعفری بهمن یاری	۸
۱۷۹۶	رستم	احمد عبدی زاده	۹
۱۳۶۷	جاوید	غلام شاه رضایی	۱۰
۱۱۲۶	بکش	محمدحسین سپاهی	۱۱
۹۹۶	دشمن زیاری	افراز رزمجویی	۱۲
۹۳۲	دشمن زیاری	داریوش پارسا	۱۳
۸۹۴	بکش	بهادر غلامی	۱۴
۵۳۶	غیربومی	سهراب حسینی	۱۵
۴۶۷	بکش	اکبر جمشیدی	۱۶
۲۶۹	دشمن زیاری	سهراب رزمجویی	۱۷
۲۶۹	غیربومی	مهدی امیری	۱۸
۷۴	رستم	هادی سادات	۱۹
۵۳	بکش	محمدحسین جعفری	۲۰

جدول ۳) میزان مشارکت در مرحله نخست اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

مرحله اول انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۶۴	۴۴۱۳۶	۶۸۸۴۰	ممسنی و رستم

جدول ۴) آراء نامزدها در مرحله دوم اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات وزارت کشور

آراء نامزدها در بخش مرکزی	طایفه (زیستگاه)	نامزدها	ردیف
۱۸۷۶۶	جاوید	صمد شجاعیان	۱
۹۳۶۸	رستم	علی انصاری	۲

جدول ۵) میزان مشارکت در مرحله دوم اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات وزارت کشور

مرحله دوم انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
درصد مشارکت	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۴۱	۲۸۱۷۱	۶۸۸۴۰	ممسنی و رستم

۵-۳-۲) الگوی رأی دوقطبی مدنی و ایدئولوگ در دومین انتخابات مجلس

رقابت در این دوره نامتکثر و عریان بود. به نظر می‌رسید فضای رقابت در مرکز شهرستان، که نورآباد بود از سر می‌گیرد. در این دوره، فرهنگیان به‌پشتیبانی شجاعیان پرداخته و پاسدارها، فضا را به سمت محافظه‌کاری و فضای حفاظت از انقلاب در حمایت از موسوی کشاندند. توده در تهران، برای حل مشکلات با صمد به‌راحتی ارتباط می‌گرفتند و صمد، با معرفت ظاهر می‌شد. گفته شده، او چنان با مردم رفتار می‌کرد که محال بود موسوی بتواند با جمیع ابراهایش جلب توجه کند. موسوی، ایدئولوگ در جستجوی خدای بود که به دنبال بسط شریعت و ترویج تئوری انقلاب بود. این دوره، یکی از انگیزشی‌ترین انتخابات به‌شمار می‌رفت، به طوری که الگوی رأی از جنس **صمد بهرنگی** در بین مردم نورآباد، طرفداران بیشتری داشته و **الگوی رأی ساداتی و رستاخیزی**، کمتر ظهور داشته، چراکه اختلاف آراء بین این دو بازیگر فاحش است. پردازش تعداد آراء و مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که **جامعه‌ی دوشکافی و الگوآره رأی صمدی و موسوی** شکل گرفته است. چنان به نظر می‌رسد که موسوی آمده بود تا به هر بهای ممکن، قدرت را از صمد بازستاند و گمان می‌برد که به آن‌گونه که اسلام و انقلاب قادرند، حوزه انتخابیه را توسعه بخشد، پیش رود. موسوی، لحظه‌ای رقابت را وانهاد و هر دم به دنبال تحکیم بلوک قدرت خویش بود. با تحركات سیاسی و انقلابی، گفتار مذهبی و فامیلی و جهادی و حضور در مساجد و سخنرانی این بلوک بندی را تقویت می‌کرد. در این دوران، اگر شجاعیان در بند پیچیدگی‌های زندگی گرفتار نمی‌آمد و راه سیاست را پی می‌گرفت، بی‌گمان در دوره‌های بعد نیز نماینده می‌شد. اما مشکلات زندگی، فرصتی برای حضور او باقی نگذاشت و در دور سوم، صحنه برای دیگر نامزدها، به ویژه موسوی که عطش قدرت / خدمت در او جلوه‌گر بود، آماده شد. به‌طور مشخص، **الگوهای رأی مدنی و ایدئولوژی** دو نمونه‌ی برجسته از جغرافیای انگیزش در این دوره بودند و شادکامی آن‌جهانی و ایدئولوژیک موسوی، در برابر نشاط این‌دنیایی و مدنی شجاعیان، سر تسلیم فرود آورد؛ زیرا روح بلوط عاشق در کالبد انسان ممسنی دمیده شده بود و چه کسی جز صمد فقید می‌توانست این شادی را برای آنان پیوسته نگاه دارد.

جدول ۶) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم، دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی ^۱ (زیستگاه طایفه ماهور میلاتی)	آراء نامزدها
۱	صمد شجاعیان	جاوید	۳۰۷۵۲	۳۱۳۲	۳۳۸۸۴
۲	سیدعبدالرسول موسوی	بکش	۲۰۴۲۹	۲۰۶۲	۲۲۴۹۱
۳	میرزا بزرگ طباطبائی	بکش	۲۲۴	۳۷	۲۶۱

۱. در این دوره محدوده جغرافیایی طایفه ماهور میلاتی از بخش مرکزی انتزاع و به بخش ماهور میلاتی ارتقاء یافت.

جدول (۷) میزان مشارکت در دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

دوره دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
درصد مشارکت	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۸۰	۵۷۰۷۹	۷۰۹۶۹	ممسنی و رستم

تصویر (۱۲) رخ‌نگاره‌ای از صمد شجاعیان فقید

(انگیزی‌ترین نماینده حوزه انتخابیه، به طوری که اگر به کار خود در این عرصه ادامه می‌داد، نورآباد ممسنی فارس قطعاً از ورژن کم توسعه یافته‌ی کنونی خود به مراتب جلوتر بود. شرایط زندگی و به‌ویژه حضور سید عبدالرسول موسوی در کارزار، اوقات تلخی برای شجاعیان بود)



۵-۳-۳) الگوی رأی مرزبندی اجتماعی و اداری در سومین انتخابات مجلس

پس از آن که شجاعیان در کارزار دور سوم داوطلب نشد، طرفداران شهری آن به سمت شهرپور رفتند و طرفداران روستایی آن به سمت رضایی. دیگر طرفداران شجاعیان که مذهبی‌تر بودند گرایش به موسوی پیدا کردند. با این حال گفته شده، عزم موسوی آن قدر جدی شده بود که نامزدهای ادوار قبل در چنین انسداد سیاسی، فرصت عرض اندام پیدا نکردند. تحلیل الگوی رأی موسوی نشان‌گر آن است که آراء فقهی، نظامی، فامیلی و همسایه‌ای، اداری و مسجدی بیشترین حمایت را از وی داشته‌اند. **الگوی رأی سرگردان/شناور/مردم** که در قالب قلمرو جاوید می‌گنجید برای اولین بار در این دوره شکل گرفت. در این دوره با حضور غلام‌رضا شهرپور، **الگوی رأی طبقاتی** در حوزه انتخابیه بنیان گرفت و طبقات متمول و دارا در شهرنورآباد، در کنار جغرافیای فقر (مناطق روستایی) به سمت این کاندیدا گرایش پیدا کردند. بسته‌های معیشتی جهادی و خدمات دولتی، چنین الگوی رأی را برای شهرپور خلق کرده بود، با این حال حضور موسوی و تحولات یک‌دهه انتخاباتی‌اش، به شهرپور، اجازه حضور مقتدرانه را نمی‌داد. یکی دیگر از نامزدهای برجسته این دوره از انتخابات که **الگوی رأی انتقادی و روشنفکرانه** را برای نخستین بار در حوزه انتخابیه خلق کرد، هیبت‌اله رضایی، تحصیل‌کرده علوم سیاسی دانشگاه تهران بود. این اکتیویست سیاسی به‌رغم اولین حضور خود در کارزار، و

به‌زعم کارشناسی‌هایی که علیه کمپین انتخاباتی‌اش به‌کار گرفته‌شد، پایگاه‌رأی پرمعنایی داشت. نامزد حوزه جغرافیایی بلوط و انگور، در نظر رأی‌دهندگان، جلوه‌ای دلنشین و جذاب یافت. رضایی، تحصیل‌کرده و توسعه را از طریق بازساخت پدیده‌های بومی مثل این گزاره که «ساز و نقاره باید جهانی بشود» پیش می‌گرفت. برای رضایی مثل شهریور، حضور موسوی، همراه با ژست ریاست‌طلبی‌اش بر مدیریت، فرصت را برای جذب‌رأی سلب کرده بود و به آراء خود در «هرای بلوط» و «رزان انگور» اکتفا کرد. رضایی باور داشت نقش‌آفرینی عباسی در فرایندسیاسی، با ترغیب موسوی برای تزلزل در پایگاه‌رأی‌اش در منطقه دشمن‌زیاری بود. علی‌رغم این، جغرافیای بدن رضایی با فضای حاکم بر سطح کلان جامعه که **محافظه‌کار و اصول‌گرایی** بود سنخیتی نداشت. به‌همین سبب، جغرافیای انگیزش در این دوره، متمرکز و رنگ و بوی نظامی به خود گرفته بود.

اگرچه رضایی نماد شادکامی این دوره از انتخابات ممسنی بود، اما تخریب رأی او توسط رقبای دیگر، شور سرزمین انگور را فرو نشاند؛ از این حیث، با پیروزی موسوی، جغرافیای فضا به‌سوی خوش‌دلی ایدئولوژیک سوق پیدا کرد.

جدول ۸) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم و دشمن‌زیاری) ^۱	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	آراء نامزدها
۱	سید عبدالرسول موسوی	بکش	۳۳۰۴۴	۵۳۷۰	۳۸۴۱۴
۲	غلام‌رضا شهریور	بکش	۹۳۳۵	۱۱۱۴	۱۰۴۴۹
۳	هیبت‌اله رضایی	دشمن‌زیاری	۸۲۰۱	۲۴۰	۸۴۴۱
۴	رضاقلی الهیاری	رستم	۴۳۷۸	۳۹	۴۴۱۷
۵	قدرت‌اله گشتاسبی	بکش	۳۴۶۱	۲۹۰	۳۷۵۱
۶	نصیر نیک‌نژاد	رستم	۳۲۲۳	۵۱	۳۲۷۴
۷	محمد عباسی	دشمن‌زیاری	۱۹۲۶	۲	۱۹۲۸
۸	احمد ارجمند	بکش	۱۲۶۱	۱۱	۱۲۷۲

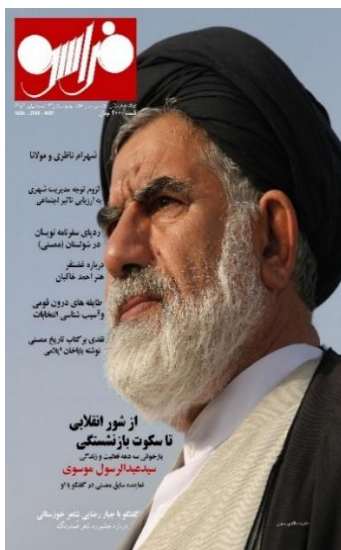
جدول ۹) میزان مشارکت در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: نگهداری، ۶:۱۳۹۰

دوره سوم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۸۸	۷۲۶۲۲	۸۲۰۸۰	ممسنی و رستم

^۱ قلمرو جغرافیایی طوایف رستم و دشمن‌زیاری تا این دوره هنوز جدا از بخش مرکزی نشده بود و آراء آن به‌صورت متمرکز بر روی بخش مرکزی حساب می‌شد.

تصویر ۱۳) رخ‌نگاره‌ای از سیدعبدالرسول موسوی
(نامزدی که چند دهه حیات اجتماعی و سیاسی فضا را زیرسلطه داشت)



منبع: (فراسو، سال هفتم، ۱۳۹۳)

۵-۳-۴) چهارمین دوره انتخابات؛ فردی که قرار بود به تهران برود و دیگر برنگردد!

موسوی که از آغاز انتخابات پس از انقلاب ۵۷ در عرصه سیاست نقش‌آفرینی می‌کرد و دو بار از شجاعیان شکست خورده بود، پس از آن‌که این بازیگر در روند سیاسی نام‌نویسی نکرد، دلش خنک شد. تندروی‌ها و حادثه ۸ آذر باعث دل‌خوری شدید نیروهای سیاسی شده بود، با این‌همه، شدت پبله‌گی موسوی به انتخابات و میل او به ریاست‌طلبی، همراه با ملالت مردم، در نهایت منجر به این تصمیم شد که با حمایت از او، آن را روانه‌ی تهران کنند. موسوی پس از آن‌که به‌طورمجدد در انتخابات چهارم مجلس، داوطلب این کرسی شد، گویی قرار نیست کپیتال بماند. درکنار این موضوع، با حضور رهام عبدی‌پور و جهان‌شیر لشکری، و نبود کاندیدای جاویدنام، شرایط برای پیروزی موسوی سخت شده بود. فرماندار عبدی‌پور با خدمات‌دولتی که برای افراد محروم کرده بود درکنار شهریور، رأی سنگینی در مناطق محروم ماهوری و کوهستانی تحصیل کرد. الگوی رأی عبدی‌پور، (موسوم به) **جهادی** و از جنس (به‌اصطلاح) **خدمت‌به‌خلق** بود. باحضورمجدد شهریور، «**الگوی رأی دولتی**» برای اولین بار در حوزه‌انتخابیه‌ممسنی شکل گرفت. دیوان‌سالاران آن ایام و طبقات برخوردار، گرد شهریور جمع شدند و مناطق کم‌بینه و دورافتاده با لمس خدمات عبدی‌پور و شهریور، قادر نبودند زیر چتر موسوی قرار گیرند؛ این امر، ریزش آراء موسوی را به همراه داشت. سیدشهاب موسوی نمی‌توانست جایگزین کاملی برای هیبت‌الله رضایی باشد، از سویی دیگر، درصحنه‌نبودن رضایی، شرایط را برای الهیاری فراهم آورد تا پایه‌های حمایتی خود را در این جغرافیا استوار سازد. پیکره‌ی رأی‌دهندگان الهیاری برآمده از **دیسپلین جغرافیای بدن** بود. او مردی ادیب‌منش و موقر بود که هر گفتارش از نظم و خرد آکنده بود. **همین** رفتار فرزانه‌منش و منضبط، مایه‌ی احترام همگان بود و پس از آن‌که به‌دلیل بافت روشن‌گرانه و متمدنانه

نورآباد، موسوی نتوانست الگوی رأی ایدئولوگ را در ممسنی نهادینه کند، انتخابات بین این بازیگر و الهیاری به مرحله دوم کشیده شد. در این مقطع، جغرافیای انگیزش با رأی «نه» به موسوی، فارغ از توانمندی و کیستی بودن الهیاری، به نامزدی گرایش یافت که آراسته به ادب و نظم بود. می‌توان گفت نورآبادی‌ها دیگر شادکامی جبرگرای موسوی را تاب نیاوردند و به‌سوی فرم‌پیراسته جدید رفتند.

جدول ۱۰) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله نخست چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید و رستم) ^۱	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهور میلاتی)	آراء نامزدها
۱	سیدعبدالرسول موسوی	بکش	۱۳۶۳۴	۳۲۹۸	۱۷۵۸	۱۸۶۹۰
۲	رضاقلی الهیاری	رستم	۱۲۹۹۴	۱۲۴۱	۲۰۶	۱۴۴۲۱
۳	غلام‌رضا شهریور	بکش	۱۰۶۲۱	۱۳۲۱	۱۶۷۰	۱۳۶۱۲
۴	رهام عبدی‌پور	غیربومی	۴۸۸۶	۵۷۹	۴۳۰۷	۹۷۷۲
۵	فریبرز انصاری	رستم	۸۷۷۸	۵۵	۲۴۲	۹۰۷۵
۶	خسرو گودرزی	رستم	۵۵۸۰	۵۶	۵۶	۵۶۹۲
۷	سیدشهاب موسوی	دشمن‌زیاری	۲۵۱	۲۳۷۸	۳۵	۲۶۶۴
۸	جهان شیر لشکری	بکش	۲۵۲۷	۳۰	۱۰۰	۲۶۵۷
۹	محمدحسن حسینی‌فر	بکش	۳۱۲	۰	۲	۳۱۴

جدول ۱۱) میزان مشارکت در مرحله نخست چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

دور چهارم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
درصد مشارکت	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۸۴	۷۷۳۸۰	۹۱۸۷۹	ممسنی و رستم

جدول ۱۲) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه	بخش مرکزی	بخش دشمن‌زیاری	بخش ماهورمیلاتی	آراء نامزدها
۱	رضاقلی الهیاری	رستم	۳۵۵۰۹	۴۲۳۵	۱۸۷۱	۴۱۶۱۵
۲	سیدعبدالرسول موسوی	بکش	۲۵۵۴۱	۴۷۳۶	۲۴۸۵	۳۲۷۶۲

^۱ . قلمرو جغرافیایی طایفه رستم تا این دوره هنوز جدا از بخش مرکزی نشده بود و آراء آن به صورت متمرکز بر روی بخش مرکزی حساب می‌شد.

جدول ۱۳) میزان مشارکت در مرحله دوم چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

دور چهارم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۸۱	۷۴۷۴۱	۹۱۸۷۹	ممسنی و رستم

تصویر ۱۴) رخ‌نگاره‌ای از رضاقلی الهیاری

(نماینده‌ای که می‌توان گفت به دلیل عدو شود سبب خیر، پیروز انتخابات شد)



۵-۳-۵) پنجمین انتخابات مجلس؛ جغرافیای انگیزشی که تبدیل به جغرافیای سکوت شد!

حدود نسبتاً یک‌دهه طرفداران شجاعیان از صحنه‌ی سیاسی دور بودند. می‌توان رگه‌های این ده‌سال سکوت را در بنیادگرایی رادیکال جستجو کرد. آنقدر رفتارهای موسوی رادیکال شده بود که حتی ضعف عملکردی الهیاری در چهارسال دوران نمایندگی، نتوانست موسوی را پیش‌روی دیده‌ها معتدل کند. شکل‌گیری الگوی رأی تنگ‌گجستانی کُردی انصاری در مقابل الگوی رأی تنگ‌خاصی و تنگ‌لله‌ای مناطق جاوید در این دوره به‌مانند دور اول که بین شجاعیان و انصاری رخ داده بود در این دوره بین انصاری و قاندی بازساخت شد. شیوه‌رأی‌دهی قاندی، تنگ‌لله‌ای و جاویدی بود. مناطق هموار جاوید با کانونیت نورآباد درمقابل با سبک‌رأی‌دهی تنگ‌گجستانی کوهستانی نورآباد قرار گرفت. قاندی پوپولیست اجتماعی و راستین بود که دربرابر با انصاری که متصل به جغرافیای قدرت و فضای دولتی را پشت‌سر خود داشت، قرار گرفت. نقشه‌رأی در این دوره هویتی شده بود. درواقع این دوره را باید هیاهو برای هیچ دانست! چراکه چهارسال نمایندگی وقت، بازنمایی اساسی از حوزه‌انتخاباتی فراهم نشد. قلمرو جاوید، پس از صمد شجاعیان و حتی فراتر از او تا این دوره، هرگز چنین جغرافیای بدنی را روانه‌ی پیکار انتخاباتی نکرده بود. خوش‌نام، فرهنگی رند، با ادراک محیطی قوی، واقع‌گرای و دارای سابقه‌ی اداری در تعلیم و تربیت بود. پس از مدت‌ها، هویت یک مکان جغرافیایی برانگیخته شد تا برای اداره امور محلی خود فردی را انتخاب کنند که زبان مشترکشان را بداند

و تحولی در فضای جغرافیایی ایجاد کند. خوش‌شناسی قائدی، تکرر نامزدهای دیگر و پراکندگی آراء - که جمعیت می‌توانست عامل اصلی در این انتخابات باشد - امتیازهایی برای او فراهم می‌کرد. از طرفی، بخشی از آراء قائدی به زندگی و به‌ویژه به کشاورز تعلق گرفت. **الگوی رأی نظام تعلیم و تربیت و فرهنگیان**، عمدتاً به قائدی و کشاورز گرایش داشت؛ در واقع، کشاورز در بدنه‌ی آموزش و پرورش و میان معلمان و همکاران، بیشترین نفوذ رأی را به دست آورد. **الگوی رأی قومیتی و زبانی**، سهم آقای زندگی بود؛ او دومین نامزد قدرتمند ترک‌تبار ممسنی به‌شمار می‌رفت و رأیش، تمام‌سطوح کهن‌الگویی بود. دیگر الگوی تازه‌ای که در این دوره در قالب سنت رأی‌دهی سر برآورد، پایگاه رأی اصغر بهزادفر بود. این الگو، نشانه‌ای از «طبقه» داشت و برای نخستین بار فرصتی برای عرض اندام سیاسی آنان فراهم آورد. تجزیه و تحلیل مشارکت‌سیاسی در این دور نشان‌گر آن است که این دوره را می‌توان تمام‌سطوح **جغرافیای انگیزش** نامید. هر قلمرویی، رأی خود را به‌طور مسالمت‌آمیز به نامزد خود دادند. باین‌حال باتوجه‌به تحركات انتخاباتی قائدی و پیشتازی وی در شهرنورآباد و بین بدنه اصلی جامعه به‌نظر، در مرحله دوم عواملی چند تاثیرگذار بودند تا نتیجه به‌سود فریبرز انصاری تغییر داده شود. برخی پیشتازی انصاری در مرحله دوم را در آن دست آراء مهاجرانی که متعلق به همسایگان ممسنی بودند می‌دانند. هم‌چنین گفته‌شده، تحركات جغرافیای قدرت (دولت - وقت رفسنجانی و دولت محلی ممسنی)، در حمایت از انصاری بوده است و این‌دو، عامل مهمی در پیروزی وی به‌شمار رفته است. به‌واقع، منوچهر قائدی برای نخستین بار وارد صحنه‌ی پیکار انتخاباتی شده بود و با استایل و ژست ویژه خود، که آزادی‌خواهی داشت، برخی **منتقدان ضددموکراسی** (ماکیاولیسم) علیه این چهره خوش‌نام، اقدام به **توطئه** و دست به تحركات منفی زدند. تواضع و بی‌آلایشی منوچهر قائدی، **دست‌مایه‌ای شد** برای برخی از افراد که در اردوگاه سیاسی مخالف قرار داشتند تا خدشه به سیمای اجتماعی این بازیگر در بین رأی‌دهندگان وارد کنند. در آن ایام شایعاتی (خبرنادرست) از این دست پخش شد که؛ از منوچهر قائدی سوال کردند دیدگاه شما راجع به جوانان چیست و چه برنامه‌ای برای آنها دارید؟ این بازیگر این‌طور پاسخ داده، **سَرُ جُونُوم فَدِی جَوُونَل (سر و جانم را فدای جوانان می‌کنم)**، و یا این‌که گفته‌شده وی در یکی از سخنرانی‌های خود به اشتباه گفته: به نام خداوند محترم، و یا این‌که از وی درباره چگونگی استفاده از نیروهای اجتماعی مختلف پرسش شده که او این‌طور پاسخ داده: **مُو خَاک شیروم سَر هَمَه طَبَل ایشینوم (من مثل خاک شیر هستم که با همه گرایش‌ها و سلاقی سازگارم)**؛ بنابراین از آنجاکه در مبارزات انتخاباتی، رقبا و طرفدارانشان سعی بر تمرکز بر نقاط ضعف رقیب و شایعه‌پراکنی در این‌باره را دارند، این شایعات در ضعف رأی آوری قائدی و شکست آن تاثیرگذار بود. می‌توان گفت که پس از رفتن انصاری به مجلس و پایان چهارسال نمایندگی او، بسیاری از انتظارات برآورده نشد و حوزه انتخابیه همانند دوره پیش، در مجموع هشت سال از مسیر توسعه عقب ماند. اگر قائدی نماینده می‌شد، **چه‌بسا** ورق به سود گسترش و توسعه بیشتر این حوزه بازمی‌گشت (اینو گفتم که باور کنید!).

خروجی دور پنجم را می‌توان شادزیستی سیمایی دانست؛ چراکه مبانی فکری انصاری بر اندیشه‌های الهی استوار بود و این نوع نشاط بیشتر با بخشی از فضای زیستگاهی هماهنگ بود تا با خودِ نورآبادِ این جهانی.

جدول (۱۴) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله نخست پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
 مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	فریبرز انصاری	رستم	۴۳۴۴	۱۳۶۶۱	۱۰۶۰	۹۵۳	۲۰۰۱۸
۲	منوچهر قانلی	جاوید	۱۵۳۳۵	۱۴۱۷	۱۰۲۲	۲۴۶	۱۸۰۲۰
۳	سیدابراهیم امینی	بکش	۱۲۱۳۲	۱۹۶۷	۲۱۷۸	۵۴۰	۱۶۸۱۷
۴	رضاقلی الهیاری	رستم	۳۴۲۹	۶۰۳۶	۷۴۷	۱۰۳	۱۰۳۱۵
۵	خداکرم کشاورز	بکش	۶۷۶۱	۳۱۳	۲۲۴۷	۱۱۳	۹۴۳۴
۶	امراه زندگی	ماهورمیلاتی	۴۱۸۴	۷۱	۶	۵۰۰۰	۹۲۶۱
۷	محمدطاهر موسوی	دشمن‌زیاری	۴۵۱	۲۴	۵۵۸۱	۱۹	۶۰۷۵
۸	اصغر بهزادفر	بکش	۳۲۹۹	۱۱۰۳	۱۳۸	۱۳۷	۴۵۴۰
۹	علی چوبینه	بکش	۱۱۱۷	۲۰۷	۸۸	۱۰	۱۴۲۲
۱۰	کرامت‌اله نگین‌تاجی	رستم	۱۸۴	۹۰۱	۳	۱۲	۱۱۰۰

جدول (۱۵) میزان مشارکت در مرحله نخست پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
 مأخذ: فرمانداری ممسنی

دوره پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	ممسنی و رستم
۹۴	۹۷۰۰۲	۱۰۳۱۹۸	

جدول (۱۶) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
 مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه	بخش مرکزی	بخش رستم	بخش دشمن‌زیاری	بخش ماهورمیلاتی	جمع آراء
۱	فریبرز انصاری	رستم	۱۶۶۰۹	۲۲۶۰۲	۵۰۶۴	۲۱۴۶	۴۶۴۲۱
۲	منوچهر قانلی	جاوید	۲۸۲۴۰	۵۸۰۸	۴۶۵۱	۳۵۰۷	۴۲۲۰۶

جدول ۱۷) میزان مشارکت در مرحله دوم پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

دوره پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
درصد مشارکت	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۸۶	۸۸۶۲۷	۱۰۳۱۹۸	ممسنی و رستم

تصویر ۱۵) رخنگاره‌ای از فریبرز انصاری فقید

(نماینده‌ای که در یک پیکار انتخاباتی کاملاً انگیزشی وارد پارلمان شد اما در پارلمان، لب فروبست و سکوت اختیار کرد)



۵-۳-۶) ظهور دشمن‌زبانی ضدهژمون در ششمین انتخابات مجلس

کارزار انتخاباتی این دوره با ورود سیدمحمد خاتمی و جبهه دوم خرداد، در فضای نسبتاً باز سیاسی کشور شکل گرفت و به‌همین سبب، تنوع نامزدها را به دنبال داشت. امینی، پارسا، افشون، کریمی، سرشناس‌ترین نامزدهای این دوره از انتخابات بودند. امینی در ادوار قبل حضور داشت و چهره شناخته شده‌ای به‌نظر می‌رسید. رقیب وی پارسا برای اولین بار بود که پا به‌صحنه‌ی پیکار انتخاباتی گذاشته بود و چون تابه‌حال، جغرافیای‌اش، تک‌کاندیدا و آن‌هم کاندیدای با چنین سبک‌وسیاقی به‌خود ندیده بود، از حالت زیستگاهی و اقتصادی مبدل به جغرافیای سیاسی و به هم‌گرایی کامل رسید. افشون، چهره‌ای مقتدر و اصلاح‌طلب بود که با حضور الهیاری، خاستگاه‌رأی‌ش پراکنده شد. قلمرو جاوید که از دور قبل تبدیل به پالیتیکال جنوگرافی شده بود و در یک رقابت‌میلیمتری، با بدیاری قدرت را وانهاد، کماکان انرژی وصف‌ناشدنی برای جبران و کسب کرسی داشت اما با حضور چندگانه کانیدیدا در این فضای جغرافیایی و آن‌هم نامزدهای قوی‌بنیاد، به‌طورمشخص آراء بین آنها پخش/تقسیم شد. ازاین‌رو فضا برای نامزدهایی فراهم بود که در قلمرو خود تک‌کاندیدا و یا یک‌کاندیدای قوی و دیگری ضعیف، شکل می‌گرفت. امینی هم تک‌کاندیدای محسوب می‌شد چراکه رقبای وی در قلمرو، ناشناخته بودند و هم‌اینکه در ایام فعالیت در کمپین سیدعبدالرسول موسوی و در دور قبل، به‌شدت فضاسازی گسترده‌ای کرده بود و پرواضح است که هم‌اکنون، رقیبی

جدی محسوب می‌شد. کمالین که اصلی‌ترین نامزد مطلوب دولت خاتمی و طیف‌سیاسی مشارکت محسوب می‌شد. دیگر نامزد قدرتمندی که به‌صورت تک‌کاندیدا وارد عرصه شد، امراله زندی از قوم ترک بود، اما شمار اندک رأی‌دهندگان این جامعه مجال نقش‌آفرینی بیشتری به او نداد.

پس از آن که منوچهرقائدی در یک کارزار میلیمتری نتوانست پیروز فرایندسیاسی بشود، دیگر طرفداران وی نتوانستند با تمام‌توان دور یک نامزد گرد آیند. انرژی و صف‌ناشدنی جاویدی‌ها با تقسیم‌رأی بین صفرعلی کریمی و علی احمدی، فروکش کرد. تقابل قائدی و انصاری از جنس مرکز (شهری و نورآباد) و پیرامون (پیرامون و روستایی) بود اما مبارزه انتخاباتی امینی و پارسا تقابل اکثریت و اقلیت بود. **فشرده‌ترین** دشمن‌زیادی در این دوره آشکار شد، به‌نحوی که ساکنان این طایفه ازهر کوی و برزنی، قصد ورود به حوزه انتخابیه را کردند تا به کاندیدای زیستگاه خود رأی دهند از این رو تنش‌هایی بین طرفداران دو نامزد دشمن‌زیاری و بکش شکل گرفت و فضا را بسیار رقابتی و حیثیتی کرد. بررسی آراء امینی نشان می‌دهد که این بازیگر با آگاهی از شرایط جهانی و داخلی، به‌خوبی توانسته با قدرت اقناع، اعتماد رأی‌دهندگان را جلب کند. شناخت از وی و بهره‌گیری از تیم حرفه‌ای و توجه به گروه‌های خاص جامعه، موجب شده در جای‌جای حوزه انتخابیه، رأی‌بالایی را کسب کند. می‌توان گفت **الگوی رأی برآمده از شناخت و مهارت‌های ارتباطی** در این دوره در کاندیداتوری امینی نمایان است. این دوره از منظر انگیزش، برآمده از مشارکت سیاسی حزبی بود و در تاریخ انتخابات، از انگیزشی‌ترین و پرشورترین مقاطع به‌شمار می‌آید. سوای از تنش‌های خیابانی و اتوبوسی، جنس جغرافیای انگیزش در ادوار پنجم و ششم، متفاوت با جنس انگیزش در دیگر ادوار است. انگیزش در این دو، مردمی، توأم با امید و سرمایه اجتماعی است و انتخابات بدون دخالت نیروهای سیاسی دولتی و حکومتی برگزار شد، هرچند به‌نظر می‌رسد در صورت پیروزی قائدی و پارسایی، وضعیت توسعه‌یافتگی حوزه انتخابیه از وضعی که اکنون است بهتر می‌شد اما باید اذعان داشت که جنس جغرافیای انگیزش در کارزار انتخابات از دور **هفتم** به‌بعد متفاوت و مشارکت دیگر همانند ادوار قبل، توأم با رقابت سازنده نبود بلکه مبدل به عرصه‌ی نفی یک/دیگر گروه‌های طایفه‌ای و خشونت، اسباب محرک انگیزش رأی‌دهی بود. در یک تقسیم‌بندی، می‌توان فضای شادکامی حوزه انتخابیه ممسنی را به دو کلان دوره (دور اول تا پنجم) و (ششم تا دوازدهم) تقسیم کرد. تعصب را می‌توان بن‌مایه شادی کلان دوره دوم دانست. در مجموع، شادکامی امینی برآمده از فضای تعصبات تباری و از جنس اصلاحات/توسعه سیاسی بود. این نوع شادی، دگردیسی عمیق در ساختار کلان قدرت را برای سرور پیکره فضایی کشور از نورآباد فارس دنبال می‌کرد.

جدول ۱۸) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی مآخذ: (مؤذنی، ۱۳۷۹: ۷۸)

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	سیدابراهیم امینی	بکش	۲۵۳۵۰	۳۹۶۰	۱۰۶۱	۱۳۵۳	۳۱۷۲۴
۲	علی پارسایی	دشمن‌زیاری	۴۵۶۶	۸۶۰	۱۵۱۴۳	۱۳۰	۲۰۶۹۹
۳	ظفر افشون	رستم	۲۹۶۵	۷۴۰۶	۱۲۴	۸۲	۱۰۵۷۷
۴	رضاقلی الهیاری	رستم	۲۴۳۱	۷۵۵۲	۳۹	۱۷۹	۱۰۲۰۱
۵	صفرعلی کریمی	جاوید	۷۶۲۵	۱۶۸۱	۶۳۱	۱۲۳	۱۰۰۶۰
۶	امراه زندگی	ماهور میلاتی	۴۷۸۴	۳۶۸	۱۷	۴۸۳۹	۱۰۰۰۸
۷	علی احمدی	جاوید	۷۲۴۲	۳۰۶	۱۴۸	۶۷	۷۷۶۳
۸	غلام‌رضا نیکنام	رستم	۲۳۷	۲۸۳۰	۰	۶۴	۳۱۳۱
۹	مهران کریمی	جاوید	۲۷۲۱	۱۰۰	۲۷	۱۰	۲۸۵۸
۱۰	علی حسین شهریور	بکش	۱۷۳۶	۱۰۷	۱	۱۷۸	۲۰۲۲
۱۱	ناصر اشرافی	رستم	۳۲۱	۱۶۷۸	۰	۷	۲۰۰۶
۱۲	طاهر ایزدی	جاوید	۱۸۰۴	۱۱۹	۳۷	۲۴	۱۹۸۴
۱۳	محمد رضا دهقان	رستم	۴۲۰	۱۳۷۹	۷	۱۰	۱۸۱۶
۱۴	محمد حسین قائمی	بکش	۷۴	۱۹	۰	۴	۹۷
۱۵	اسکندر سلیمانی	رستم	۶	۳۴	۰	۰	۴۰

جدول ۱۹) میزان مشارکت در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی مآخذ: (همان)

دوره ششم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
درصد مشارکت	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۱۱۱/۱	۱۱۵۵۳۸	۱۰۴۰۰۰	ممسنی و رستم

تصویر ۱۶) رخ‌نگاره‌ای از سیدابراهیم امینی

(سیدابراهیم امینی، سیاسی‌ترین نماینده حوزه انتخابیه به‌طوری‌که در مجلس ششم، تمرکززدایی و توزیع ثروت و قدرت را پی می‌جست)



۵-۳-۷) چپش حوزه‌های رأی‌دهی در هفتمین انتخابات

الگوی رأی سنجیده در قالب حضور زنان، کنش‌گران اصلاح‌طلب که برای اولین بار توسط هیئت‌اله رضایی در انتخابات برانگیخته شد برای بار دوم در دور ششم بازتولید شد. همین الگوی رأی انتقادی، سبب حضور نامزدی از حوزه‌انتخابیه ممسنی به پارلمان شد که رویکردش «فشار از پایین؛ چانه‌زنی از بالا» بود. به‌دیگرسخن، در پی تمرکززدایی و توزیع ثروت و قدرت بود و منتقد تمرکز جغرافیای قدرت محسوب می‌شد. با اتمام این دوره و ردصلاحیت نمایندگان معترض که امینی جزء هیئت‌رئیس‌آش به‌شمار می‌رفت، عملاً در این دوره با حضور حاکمیت در صحنه و چپش هدفمند نیروها، الگوی رأی حکومتی در حوزه‌انتخابیه شکل گرفت. خوش‌درخشیدن امینی در مجلس، باعث شده بود که نورآبادممسنی، بار سیاسی و پرمایه‌ای بین حوزه‌های انتخابیه کشور پیدا کند. پس از آن‌که این کنشگر سیاسی ردصلاحیت شد، فضای حوزه انتخابیه، که پیش‌تر جنب‌وجوشی با بن‌مایه دموکراسی داشت، حداقل از شور و حال گذشته فاصله گرفت. با این حال، جاویدی‌ها که از دور پنجم تاکنون جویای قدرت سیاسی بودند، در این دوره با حضور علی احمدی، چهره‌ای شناخته‌شده و حکومتی، جانی دوباره یافتند و با قاطعیت این کاندیدا را به سرمنزل مقصود رساندند. رقابت می‌رفت که بین احمدی، نامزد اصولگرا و هاشمی، نامزد اصلاح‌طلب شکل بگیرد که حضور نامزد معادله‌شکن، منجر به در کورس‌نماندن هاشمی و پیشتازی احمدی شد. جغرافیای انگیزش در این دوره برساخته‌ی جغرافیای قدرت و طایفه به‌شمار می‌رفت. این کارزار انتخاباتی از آن رو شاخص است که برای نخستین بار شاهد حضور نامزدهای موردنظر نهادهای قدرت، یعنی احمدی، انصاری، میرفردی، مرادی و بناوی بودیم. فرایند سیاسی انتخابات از این دوره بار دموکراتیک خود را از دست داد و رفته‌رفته فضا به سمت انتصابات و پاک‌سازی آن‌گونه که مدنظر جغرافیای قدرت بود، سوق پیدا کرد. احمدی با پیروزی در این فرایندسیاسی که شور و نشاط آن مبتنی بر تحرکات و التهابات فضاهای زیستگاهی بود، خوشحالی را در بهره‌گیری از جایگاه خود در ساختار کلان قدرت برای صنعتی‌شدن ممسنی تعریف کرد. سفر رهبر جمهوری اسلامی به ممسنی و آغاز پروژه پتروشیمی در این دوره حاکی از بازتعریف مفهوم نشاط در معنای صنعتی‌شدن بود. به‌عبارتی این گزاره باب شد که «انسان شاد، انسانی است صنعتی‌شده»! شادمانی درمعنای مصرف‌گرایی (برخورداری از خودروهای درخور) نیز درچارچوب صندوق ذوالفقار در این دوره عیان شد، اما رُخداد ناشی از تخلفات صندوق (اعتراضات خیابانی)، شعف نورآبادی‌ها را تلخ کرد.

^۱ ژان‌ژاک روسو، فیلسوف دوره روشنگری و یکی از اصحاب قرارداد اجتماعی برعکس این گزاره معتقد بود: تمدن و پیشرفت باعث بهبود وضع انسان‌ها و شادکامی آنها نشده، بلکه تأثیر مخربی بر اخلاقیات گذاشته است.

جدول (۲۰) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش مهورمیلاتی (زیستگاه طایفه مهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	علی احمدی	جاوید	۴۱۰۱۸	۵۶۵۰	۵۳۰۷	۲۷۷۶	۵۴۷۵۱
۲	قدرت‌اله میرفردی	رستم	۱۲۵۷۰	۱۳۵۱۷	۴۰۶۵	۱۶۱۲	۳۱۷۶۴
۳	سیدجعفر هاشمی	رستم	۴۸۴۴	۱۶۲۲۹	۲۹۶	۷۸۱	۲۲۱۵۰
۴	عبدالرضا مرادی	بکش	۱۰۸۷۷	۵۰۴	۱۵۸۰	۶۰۰	۱۳۵۶۲
۵	سهراب انصاری	رستم	۴۳۶	۲۶۲۱	۵۸	۱۱	۳۱۲۶
۶	نوذر بناوی	رستم	۸۵۰	۱۰۹۰	۳۱۰	۱۶۵	۲۴۱۵

جدول (۲۱) میزان مشارکت در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: نگهداری و حسینی، ۱۳۸۷: ۱۳۱

دوره هفتم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۱۰۲	۱۲۸۶۱۰	۱۲۶۱۲۶	ممسنی و رستم

تصویر (۱۷) رخ‌نگاره‌ای از علی احمدی

(برجسته‌ترین نماینده حوزه انتخابیه در کشور و بخشی از جمهوری اسلامی به شکل کلاسیک آن است. (احتمالاً) احمدی، آمریکا را «شیطان بزرگ» می‌داند اما تفاوت او با اصول‌گرایان در روش اجرایی و تاکید بر کاهش هزینه‌های متقابل و پراگماتیسم است)



۵-۳-۸) الگوی رأی جری ماندرینج در هشتمین انتخابات مجلس

تحركات سیاسی و انتقادی مجلس ششم، فضا را به سمت چینش و پایش برد. پس از آمدن دولت احمدی نژاد، طیف سیاسی اصولگرا، خالص تر شده بود. در واقع نامزدهای دولت (جبهه پایداری) بیشتر مورد حمایت بالادستی‌ها می‌شد. علی احمدی عملکرد نسبتاً بدی نشان نداده بود و مقبولیت گسترده‌ای داشت، به طوری که نامزد حکومت به‌شمار می‌رفت اما نامزد دولت آن‌طور که می‌بایست سرسپرده به‌شمار نمی‌رفت. تفاوت علی احمدی و عبدالرضا مرادی در رویکرد متفاوت آنها مشهود بود. احمدی ملزم و معتقد به آن بود که قانون چه وظایفی برای نمایندگی تعیین کرده و دیولوپمنت را در تکوین زیرساخت‌های زیربنایی می‌دید؛ پروژه‌های کلانی مانند راه‌ها و ترانزیت، سدسازی، پتروشیمی و... حوزه عمل او بودند. وی، همانند امینی و حتی پررنگ‌تر از او، چهره‌ای قدرتمند و تاثیرگذار در ساختار سیاسی کشور محسوب می‌شد؛ به طوری که در مجلس هفتم، با وزن سیاسی و علمی خود، توانست ردیف بودجه ملی برای سد پارسیان و پتروشیمی ممسنی اخذ کند. با این حال، مردم حوزه انتخابیه به‌درستی اهمیت این دستاوردها را درک نکردند و انتظار داشتند نماینده‌ای داشته باشند که به درد دل آنها گوش دهد و امور محلی و گرفتاری‌های شخصی و کوچک‌شان را حل کند؛ حتی مسائلی که شاید خارج از حوزه رسالت نمایندگی است. فقدان دوراندیشی برای آینده شهرستان، احمدی را در مقابل پارلمانی که یک‌تنه مقابل سر کوچک آن ایستاده بود، کم‌وزن کرد و موجب شد نماینده‌ای قدرت سیاسی را کسب کند که هرچند (شاید) بتوانست در حوزه زیرساخت کلان ممسنی، تحرکی داشته باشد اما به‌خوبی از عهده امور جزئی و محلی مردم، وفاداری‌های گروهی، روابط دوستانه و همسایگی برمی‌آمد. گاهی با پاسخ دادن به نامه‌ها، تماس تلفنی یا برقرار کردن ارتباط مستقیم با مردم، به‌راحتی توجه و همراهی آنان را جلب می‌کرد. بنابراین، شور و نشاط این انتخابات بر مبنای تضارب آراء زیستگاهی شکل گرفت و مرادی با پیروزی در این کارزار، شادی را در معنای بودجه‌پاشی، انجام کارهای مطالبه‌ای و تقویت روابط دوستانه و محلی بازتعریف کرد.

به نظر می‌رسد در این دوره، «الگوی رأی جری ماندرینج» به شکل «سه‌میه‌بندی ناعادلانه» ظهور کرد. این الگو در توزیع نابرابر تعرفه‌های رأی و قُرق کردن صندوق‌ها آشکار شد و شکافی میان آراء احمدی و رقیبش ایجاد کرد. آراء احمدی، تحت تأثیر لیبازی‌های سیاسی و حضور نامزدهای رأی‌شکن (*Spoiler*)، دچار تزلزل شد. جغرافیای انگیزش این دوره نشان می‌داد که دولت محلی به حمایت از مرادی پرداخته و نتیجه آن شکست احمدی بود. گفته شده، اوج این الگو در صندوق‌گیری و انداختن آراء یکجا به صندوق‌ها دیده شد و این دوره، شایسته آن است که «انتخابات صندوق‌گیری» نام گیرد!

¹. Gerrymandering Voting Pattern

جدول (۲۲) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
 مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن (زیستگاه دشمن زیاری)	بخش مهورمیلاتی (زیستگاه طایفه مهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	عبدالرضا مرادی	بکش	۳۴۲۹۸	۱۰۲۳۰	۳۹۹۶	۳۰۳۹	۵۱۵۶۳
۲	علی احمدی	جاوید	۲۲۹۱۰	۸۳۲۱	۳۱۶۳	۲۸۹۷	۳۷۲۹۱
۳	نوذر بناوی	رستم	۴۹۹	۷۶۹۶	۱۰۶	۲۷۳	۸۵۷۴
۴	امیرحسین رشیدی	بکش	۳۴۱۰	۱۱۶۶	۲۴۱	۸۱	۴۸۹۸
۵	منوچهر قائدی	رستم	۲۵۸۲	۳۴۶	۷	۱۲	۲۹۴۷
۶	مهندس ایرج همتی	جاوید	۱۶۰۶	۱۸۵	۹۳۴	۲۱	۲۷۴۶
۷	امین عربی	جاوید	۹۷۵	۲۹۴	۲۴۹	۴۴	۱۵۶۲

جدول (۲۳) میزان مشارکت در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
 مأخذ: نگهداری و حسینی، ۱۳۸۷: ۱۳۱

دوره هشتم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
درصد مشارکت	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۱۰۴	۱۰۹۵۸۱	۱۰۵۰۰۰	ممسنی و رستم

تصویر (۱۸) رخ‌نگاره‌ای از عبدالرضا مرادی

(نماینده‌ای که کوچه‌محلی‌ها در یک حرکت هیجان‌انگیز آن را در رسیدن به کرسی مجلس یاری کردند)



۵-۳-۹) الگوی رأی آدرس غلط‌دادن در نهمین انتخابات مجلس

روند تمرکزگرایی که پس از مجلس ششم آغاز شده بود، در انتخابات هفتم و هشتم پررنگ‌تر شد و در نهمین دوره به اوج خود رسید؛ به این معنا که نامزدی می‌توانست وارد مجلس شود تنها در صورتی که مورد قبول جغرافیای

قدرت قرار می‌گرفت. شاید هیچ‌کس نتوانست بفهمد چرا قانیدی در این دوره شکست خورد. حضور قانیدی از منظره یادآور، کاندیداتوری منوچهر قانیدی بود که اگر آن‌ایام خوش‌شانس بود ورق به سود بیشتر توسعه‌یافتگی حوزه انتخاباتی برمی‌گشت. همچنین از بُعدی دیگر، علی‌رغم الگوی رأی جهت‌دار که در دور قبل، باعث بی‌برگی علی احمدی شد اما این بار در این دوره، فضا برای حضور احمدی مهیا به نظر می‌رسید. به این دلیل که هم غلام‌علی حداد عادل نقش‌آفرین بود و هم علی لاریجانی رئیس مجلس شد. چرایی نیامدن علی احمدی تأمل‌برانگیز است؛ چراکه پس از رد صلاحیت مرادی، زمینه برای نقش‌آفرینی سیاسی او فراهم بود. همتایان سیاسی‌اش ناشناخته و کم‌مو بودند و شاید انتظار حضور مرادی پس از اعتراض به رد صلاحیت تا دقایق آخر باعث شد این بازیگر ریسک نکند. شاید نیز نمی‌خواست بپذیرد که در دوره هشتم، پس از آن همه تلاش و سیاست‌ورزی برای اخذ دو ردیف بودجه ملی، به او رأی داده نشود و بعید نیست، هنوز شکست مقابل نامزدی نه‌چندان برجسته را هضم نکرده بود. با این حال، به نظر می‌رسد امتناع از داوطلبی علی احمدی حاوی پیامی روشن بود: او به هر قیمتی نمی‌خواست قدرت را کسب کند؛ زیرا چه در دوران نمایندگی و چه زمانی که در مجلس حضور نداشت، در ساختار قدرت، پست و مقامی داشت و مردم شهرستان می‌بایست در وقت مناسب و با هوشیاری سیاسی، نامزد پروزن را انتخاب می‌کردند.

کمپین انتخاباتی مرادی و یارانش هنوز باور به رد صلاحیت نداشتند و نمی‌توانستند هیچ‌کس را جایگزین مرادی تصور کنند. پس از رد صلاحیت مرادی و غیبت احمدی در صحنه و حضور شفיעی کم‌شناخته، فضای رأی‌دهی به سود سعید قانیدی جریان یافت. همان‌طور که این فضا به نفع قانیدی می‌چربید، دگم‌اندیشان مخالف دموکراسی با برانگیختن حس طایفه‌ای گروهی از طرفداران نامزدها و فعال کردن کشمکش‌های طایفه‌ای در حین برگزاری انتخابات، عرصه‌ی دموکراتیک را به زور آزمایی خیابانی تبدیل کردند و با برنامه‌ریزی حساب‌شده، به مقصود خود رسیدند. چنین ترفند سیاسی برای این بود که **آدرس غلط به رأی‌دهندگان و افکار عمومی** حوزه انتخاباتی داده شود؛ زیرا شفיעی نه چهره‌ای با شناخت عمومی کافی بود و نه به‌طور کلی سرمایه اجتماعی و پشتیبانی گسترده‌ای داشت. بدین ترتیب، آراء به سود شفיעی به صندوق ریخته شد و او نماینده خوش‌شانس حوزه انتخاباتی لقب گرفت. این مجلس را می‌توان «**الگوی رأی انتصابی**» نامید چراکه خروجی صندوق، نشان‌گر نامزد **همه جغرافیا** نبود. شفיעی با جغرافیای بدن اتوکشیده، شادکامی را در معنای رسانه بازتعریف کرد لذا انسان نورآبادی را دلخوش به این گزاره کرد: "رسانه‌ای شدن/ دیده شدن". اما این فضای جغرافیایی دیده‌نشده و شادکام نشد. با قبولی سعید قانیدی می‌توانست آن دست از مشارکت طایفه‌ای راستین را جغرافیای انگیزش نامید اما خروجی انتخابات آنقدر شوکه‌کننده بود که سریع می‌بایست می‌گذشت تا شکل جدیدی از کارزار انتخاباتی در دور دهم خلق شود. برخلاف مجلس نهم که مجلس وکیل‌الدوله‌ای گفته می‌شد مجلس دهم، مجلس بهتری (وکیل‌المله) شد.

جدول ۲۴) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
 مأخذ: دفتر انتخابات استانداری فارس

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن (زیستگاه طایفه دشمن زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	نوذر شفیعی	بکش	۳۷۱۲۷	۳۶۴۹	۲۹۳۵	۵۰۲۶	۴۸۷۳۷
۲	سعید قاندی	جاوید	۲۳۹۴۵	۳۳۳۴	۱۹۳۳	۵۵۸	۲۹۷۷۰
۳	مجید انصاری	رستم	۴۴۰۷	۲۳۱۸۸	۱۳۹۴	۶۸۴	۲۹۶۷۳
۴	حمیدرضا دهقان	رستم	۹۳۲	۵۳۶۹	۸۷	۹۰	۶۴۷۸

جدول ۲۵) میزان مشارکت در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
 مأخذ: دفتر انتخابات استانداری فارس

دوره نهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۱۰۳	۱۱۴۶۵۸	۱۱۱۵۶۹	مسنی و رستم

تصویر ۱۹) رخ‌نگاره‌ای از نوذر شفیعی

(نماینده‌ای که ضعف کارآمدی خود را با این استدلال که دوران زمامداری خود در شرایط سخت بود، توصیف می‌کرد)



۵-۳-۱۰) الگوی رأی غوج‌خوس در دهمین انتخابات مجلس

«جغرافیای انگیزش» مخصوص این دوره از انتخابات در نورآبادمسنی فارس است. غوج‌خوس‌ها، صندوق‌های سنگین و پرتعرفه هستند، به طوری که گاهی تصادفی شکل می‌گیرند و بعضی وقت‌ها، انگیزه‌ای و برحسب نیاز بر ساخته می‌شوند. تصادفی آنجاکه، گروهی تیره‌ای هنوز در حکم عقبه‌ای تباری، هرچند در خاکی دیگر، رگه‌های خویشاوندی

را جستجو می‌کنند و «صندوق‌های متعلق به یک نامزد» به اصطلاح شکل می‌گیرد تا به افزایش آراء برای تثبیت نفر اولی انجامد و یا کاهش شکاف نسبت به نفر اول/شکاف پرکردن، نامزد مطلوب خود که این صندوق‌ها معمولاً از حوزه‌های رأی‌گیری نقاط دور از دسترس به مرکز حوزه‌انتخابیه می‌آیند و در نهایت منجر به پیشتازی یک نامزد می‌گردد. هر دو نامزد یعنی گودرزی و مرادی در منطقه رستم، الگوی رأی غوچ‌خوس داشتند که یکی پیشتازی گودرزی را تثبیت و دیگری باعث کاهش اختلاف آراء مرادی با گودرزی شد. ضمن اینکه اگر چنین صندوق‌هایی نبودند، مرادی جایگاه دومی خود را به انصاری می‌داد. این نوع الگوی رأی‌دهی، که نام «محلی» دارد، انگیزشی‌ترین سیاسی‌کاری‌ست و برای درک‌ورس ماندن نامزدها، معجزه‌آسا و نجات‌بخش است.

از ابتدا قرار بر این نبود که توجه به نوذر شفیعی جلب شود، چراکه او نماینده‌ای عمل‌گرا و حتی مردم‌دار نشان نداده بود. رأی‌دهندگان در دور دهم با نه بزرگ خود، ناکامی سیاسی او را رقم زدند. علاوه بر این، مرادی همچنان در صحنه حضور داشت. با حضور شکارچی بودجه، شفیعی جایگاهی در انتخابات -آن هم در قلمرو بکش- نداشت، زیرا مرادی طی سال‌ها سرمایه اجتماعی گسترده‌ای برای خود خلق کرده بود. نامزدی که از دور هفتم تاکنون در کارزار انتخاباتی حضور داشته، به‌زعم مردم بکش در این دوره نیز، همچون دور هشتم، شانس پیروزی داشت. در حین انتخابات، کمپین انتخاباتی گودرزی با رویکرد اقناع و مهارت‌های دیپلماتیک، همگرایی سیاسی / سرزمینی بین قلمرو خود و قلمرو جاوید در سطح «ژئوپلیتیک» برقرار کرد و پشتوانه جغرافیایی خلق شد، همین پشتوانه روحانی و گوسنگونی و تنگ‌لله‌ای جویجانی تا نزدیک و دورترین جای‌های ساکنان جاوید سبب متمایل‌شدن انبوهی از رأی‌دهندگان بکش به سمت ستاد انتخاباتی گودرزی شد. در این زمینه، مهارت‌های دیپلماتیک گودرزی به شکل همگرایی نخبگان سیاسی و نمایندگان ادوار منطقه‌ای و ملی نظیر تاجگردون و امینی و پارسا و عارف، فضای طایفه بکش را متحول و در دام رقیب انداخت. در پویش‌های انتخاباتی آراء «دامی» که در حکم «طعمه» محسوب می‌شوند عمدتاً گانگسترهای سیاسی آنها را رهبری و جهت می‌دهند.

انگیزش در هر دو ستاد انتخاباتی گسترده و تشدید می‌شد و در این بین بزرگترین خطر برای کمپین‌های انتخاباتی، «محاسبه اشتباه» بود. امری که در «رده اتفاقات ممکن» قرار داشت. در عین حال، مسعود گودرزی و همراهانش با ارزیابی بادقت این مسئله که فضای انتخاباتی به کدام سمت و سو متمایل می‌شود و با برنامه‌ریزی و تلاش مضاعف برای آن، گام‌های درستی برداشتند در صورتی که عبدالرضا مرادی و مشاورانش انگار که چنین برنامه‌ای نداشتند و کمپین انتخاباتی‌اش، آکنده از غرور و توهم پیروزی و به تبع آن دچار محاسبه اشتباه شد. از این رو صحنه سیاسی را به جغرافیای شورانگیز تیره‌بوان و طایفه‌جاوید باختند و شاید تا ابد حسرت آن پیروزی نزدیک که غافل‌گیرانه، حاکم‌کوت شدند، در حافظه تاریخی‌شان ثبت می‌ماند. جغرافیای انگیزش در این دوره توسط نخبگان سیاسی برانگیخته شد و منجر به پیروزی مسعود گودرزی و ناکامی مرادی در دو دوره‌ای شدن شد. شادکامی در این دوره از انتخابات مبتنی بر شور و

نشاط کاروانی / تیره‌ای در اقصی نقاط حوزه انتخابیه و مملوء از روحیه تباری / زیستگاهی بود. گودرزی، شادکامی را به معنای نشاط ترجمه کرد و با ایجاد زیرساخت چمن مصنوعی، فرکانس ورزش را در شهرستان، تقویت و تحکیم کرد.

جدول (۲۶) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله اول در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	مسعود گودرزی	بکش	۲۰۰۸۲	۱۷۵۵	۳۰۵۴	۱۴۷۰	۲۶۳۶۱
۲	عبدالرضا مرادی	بکش	۱۶۴۴۷	۲۵۴۵	۱۷۱۰	۱۶۹۳	۲۲۳۹۵
۳	مجید انصاری	رستم	۵۰۱۹	۱۳۸۸۳	۴۰۹	۱۸۱	۱۹۴۹۲
۴	سیدیداله حسینی	رستم	۲۷۹۹	۱۰۴۴۷	۴۰۳	۳۲۷	۱۳۹۷۶
۵	سیدجعفر هاشمی	رستم	۳۰۶۴	۶۲۲۷	۷۵	۲۰۷	۹۵۷۳
۶	نوذر شفیعی	بکش	۵۷۷۸	۱۱۴۶	۴۱۵	۱۳۹۶	۸۱۳۵
۷	محمد محمودی	جاوید	۶۰۹۶	۵۱	۴۴	۵	۶۱۹۶
۸	محسن غلامی	بکش	۲۳۰۷	۱۵۱	۱۵۴	۱۶۷	۲۷۷۹
۹	فریدون زارع‌خفري	جاوید	۲۴۲۰	۱۳	۱۹	۸	۲۴۶۰
۱۰	ساسان سالاری	بکش	۱۶۲۴	۵۳	۱۴۹	۳۲۵	۲۱۵۱
۱۱	محمد گودرزی	رستم	۲۴۰	۱۳۴۳	۲۷	۱۱	۱۶۲۱

جدول (۲۷) میزان مشارکت در مرحله نخست دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
مأخذ: فرمانداری ممسنی

دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۸۴	۱۱۵۷۳۹	۱۳۸۰۰۰	ممسنی و رستم

جدول (۲۸) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه	بخش مرکزی	بخش رستم	بخش دشمن‌زیاری	بخش ماهورمیلاتی	جمع آراء
۱	مسعود گودرزی	بکش	۳۲۳۱۳	۱۷۳۳۹	۳۸۸۹	۲۴۵۴	۵۵۹۹۵
۲	عبدالرضا مرادی	بکش	۲۲۹۵۰	۹۵۹۶	۱۷۵۵	۱۷۳۶	۳۶۰۳۷

جدول ۲۹) میزان مشارکت در مرحله دوم دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی

دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۶۷	۹۲۰۳۲	۱۳۸۰۰۰	ممسنی و رستم

تصویر ۲۰) رخ‌نگاره‌ای از مسعود گودرزی
(نماینده‌ای که هم‌تبارانش در جذب رأی کولاک کردند)



۵-۳-۱۱) الگوی رأی حاشیه به جای متن در یازدهمین انتخابات مجلس

چهل و یک هزار رأی احمدی چگونه به بیست و دو و سپس بیست و سه فروکاست دلایل آشکاری داشت. اولاً به نظر، احمدی می‌بایست در کارزار نهم حضور داشت چراکه فضا برای قبولی وی عملاً مساعد بود، درثانی، تحولات ژئوپلیتیک، به گونه‌ای بود که ایران تحت سیطره بازیگران جهانی و تحریم، معیشت و مسکن و امید به زندگی را به شدت تحت الشعاع قرار داده بود. الگوی رأی اپوزیسیون که در این دوره عملاً رسانه‌ای جهانی شده بود، و ضعف اقتصادی و معیشتی و بیکاری را یادآوری و اطلاع‌پراکنی می‌کرد فضا را هر لحظه به سمت جغرافیای سکوت و اعتراضی می‌کشاند. به نظر، فضای شهری حوزه انتخابیه یعنی شهر نورآباد که مردم جاوید و بکش در آنجا پرتعدادند مبدل به جغرافیای سکوت شده است. تقریباً بی سابقه بوده است که این میزان از نیروهای سیاسی، چه به لحاظ کمی و چه تنوع، تصمیم به عدم مشارکت در انتخابات و برخورد منفی با انتخابات بگیرند و آن را فاقد معنا بدانند. شاید هرگز احمدی تصور نمی‌کرد میزان مشارکت کاهش یابد و به زعم خویش، فضا را احساسی، توده‌ای، طایفه‌ای نگرسته بود که می‌تواند به واسطه حضوری وی برانگیخته (پرشور) شود.

در این دوره برای اولین بار در تاریخ انتخابات چهاردهم جمهوری اسلامی، نورآباد، کارکرد جغرافیای سیاسی خود را از دست داد و تبدیل به یک سکونتگاه منفعل و ناتصمیم‌گیر شد. در این دوره، پیرامون که منطقه رستم بود مبدل به

کانون سیاسی انتخابات شد و نورآباد فارس که مرکز بود تبدیل به نورآباد با مقیاس محلی ممسنی شد. در رابطه با چرایی انتقال جغرافیای انگیزش از کور به پری فری، می توان گفت که این منطقه از دوره هفتم تا این دوره، نفس ها را در سینه حبس کرده بود و در این دوره، این نفس ها بازدم شد، و گرنه ممکن بود به جغرافیای مرگ بدل شود. در این دوره از انتخابات، شکادمی فراگیر در چهره مردم دیده نمی شد و انصاری نیز طی دوره چهارساله نمایندگی خود، شادی را در بیان شعر و ادب فارسی و زیرساخت های عمرانی شهرستان رستم را تقویت کرد.

جدول (۳۰) آراء نامزدها به تفکیک بخش ها و شهرستان ها در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
مأخذ: فرمانداری ممسنی

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طایفه جاوید و بکش)	بخش جوزار ^۱ (زیستگاه طایفه جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن زیاری (زیستگاه طایفه دشمن زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طوایف ترک تبار قشقائی)	جمع آراء
۱	مجید انصاری	رستم	۱۰۵۲۴	۲۴۴	۳۶۰۹۸	۱۲۸۳	۱۸۵۹	۵۰۰۰۸
۲	علی احمدی	جاوید	۲۳۴۰۱	۳۹۵۵	۱۸۷۷	۲۶۴۴	۱۶۳۷	۳۳۵۱۴
۳	فتح اله دهقان	بکش	۳۴۳۵	۲۰	۹۱	۳۶	۴۶	۳۶۲۸
۴	عبدالحمید ندری	بکش	۲۵۴۸	۸	۱۰۸	۳۳	۲۳	۲۷۲۰
۵	سیدعلی حسینی	رستم	۲۱۵۸	۲۲	۳۱۵	۴۲	۳۸	۲۵۷۵

جدول (۳۱) میزان مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
مأخذ: فرمانداری ممسنی

دوره یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۷۵	۹۴۳۸۶	۱۲۵۰۰۰	ممسنی

^۱ . بخش جوزار که شماری از ساکنان جاوید را در خود جای داده است در این دوره از بخش مرکزی جدا و تبدیل به قلمرو فضایی مجزا شد. با این حال عمده ساکنان طایفه جاوید در بخش مرکزی زیست می کنند.

تصویر (۲۱) رخ‌نگاره‌ای از مجید انصاری

(نماینده‌ای که نمی‌توانست امید و توسعه بیافریند)



۵-۳-۱۲) الگوی رأی نافرمانی مدنی در دوازدهمین انتخابات مجلس

علی‌رغم وضعیت شکننده جغرافیای اقتصادی ایران و گفتمان رأی بی‌رأی که بین نیروهای سیاسی مخالف، منتقد، و اجزاء گوناگون نیروهای جامعه مدنی در ادامه روندی که از سال ۹۸ آغاز شد، مشارکت سیاسی در این دوره نسبتاً بالا بود. به‌نحوی که حوزه انتخابیه ممسنی و رستم، با ۸۳ درصد از بیشترین و شیراز با ۲۶ درصد از کمترین میزان مشارکت، برخوردار شد. در همه‌ی ادوار قبلی، دوقطبی شکل‌گرفته بین حفظ و تغییر وضع موجود، پیشرانۀ اصلی هواداران برای شرکت در انتخابات بود اما در این انتخابات این دوقطبی وجود نداشت. پس از ردصلاحیت انصاری که به‌جای احمدی وارد مجلس به‌اصطلاح انقلابی شد، با انتخاب پاسدار امید نصیبی مشخص شد که نیروی انقلابی و خالص مدنظر حکومت، این بازی‌گر است. در این دوره رقابت‌ها بیشتر مجازی بود تا سنتی و مکانی. دیگر مساجد، میادین، مدرسه‌ها و دانشگاه سنگر کارزار انتخاباتی به‌شمار نمی‌رفت بلکه چنین پلتفرم‌هایی، اندک کمپین انتخاباتی مجازی را خلق کردند. تعدد و تکرر نامزدها، آراء را مبدل به جغرافیای محلی کرده بود و الگوی رأی تیره‌ای و اولادی درحال شکل‌گرفتن بود شاید تا این‌زمان، انتخاباتی در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم، این چنین مقیاس تو در تو نداشته است. شادی ساز و نقاره‌ای این دوره با نامزدهای متعدد کم‌وزن و پایین‌تر از سطح وزن کرسی مجلس، برخلاف شادی ساز و نقاره‌ای اصیل شجاعیان، بیشتر رنگ و بوی ابتذال داشت.

اما می‌توان گفت الگوی رأی هنگفت برآمده از سرمایه اجتماعی که برای نخستین بار توسط صمدشجاعیان و منوچهر قانیدی در کارزار دوم و پنجم شکل گرفت در این دوره در شخصیت نصیبی نمایان شد. ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی، توانمندی‌های مدیریتی و حرفه‌ای، مهارت‌های ارتباطی، تطابق با نیازهای جامعه، اعتبار و محبوبیت عمومی، استفاده از ابزارهای تبلیغاتی مدرن، برخورداری از اصول اخلاقی در رقابت، بهره‌گیری از تیم نسبتاً حرفه‌ای، ارائه‌ی چشم‌انداز آینده‌نگرانه، جملگی موجب جلب اعتماد رأی‌دهندگان توسط نصیبی شد. نصیبی در ایام مدیریت سپاه،

توجه به جامعه انسانی و کمک به توسعه زیرساخت‌ها را در اولویت قرار داده بود، اما مهم‌تر از آن، آنچه پشتوانه اجتماعی نامیده می‌شود - یعنی اخلاق محوری، انسان‌گرایی، روابط فردی و گروهی سالم و سازنده، و درست‌کاری - بود که عمق جغرافیایی گسترده‌ای برای او فراهم کرد و زمینه پیروزی‌اش را مهیا ساخت. نصیبی با چهره‌ای بشاش، شادمانی را با آغوش‌گیری، تماس چهره به چهره و ملاقات‌های پیاپی با کارگزاران سطح کلان قدرت برای تعیین تکلیف نهایی پروژه‌های راکد (سد پارسیان، پتروشیمی و کارخانه قند) در پیش گرفت.

جدول (۳۲) آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها و شهرستان‌ها در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
 مأخذ: (فرمانداری ممسنی ۱۴۰۳)

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طایفه جاوید و بکش)	بخش جوزار (زیستگاه جوزار جاوید)	بخش (شهرستان) رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش مهورمیلاتی (زیستگاه طایفه مهور میلاتی)	جمع آراء
۱	امید نصیبی	جاوید	۲۰۵۵۹	۲۶۴۵	۸۵۴۵	۳۳۵۶	۲۱۰۶	۳۷۲۱۱
۲	ابوذر رشیدی	بکش	۱۲۵۷۸	۲۱۵	۲۵۳۸	۷۱۰	۵۲۱	۱۶۵۶۲
۳	فرهام امیری	بکش	۸۳۶۹	۵۶	۲۷۰۲	۶۲۲	۱۲۱۸	۱۲۹۶۷
۴	سجاد کلانی‌نسب	رستم	۶۴۰	۱۳۰	۱۰۴۹۱	۶۱	۲۱	۱۱۳۴۳
۵	محمد محمودی	جاوید	۳۳۹۳	۳۰۰۹	۹۰۰	۴۴۵	۱۶۸	۷۹۱۵
۶	جهانگیر رستمی	رستم	۲۳۹	۰	۵۹۳۵	۰	۲	۶۱۷۶
۷	غلام‌علی باقری	رستم	۱۹۳	۶	۴۴۴۳	۲	۳	۴۶۴۷
۸	محمد اکبری	بکش	۲۳۳۵	۱	۳۸۲	۵۲۸	۴۰	۳۲۸۶
۹	معصومه زندی	ماهورمیلاتی	۶۱۷	۴	۵۸	۰	۵۰۷	۱۱۸۶
۱۰	محمدعلی قاسمی	بکش	۷۱۵	۱۰	۵۲	۰	۷۹	۸۵۶
۱۱	سیدمسلم هاشمی	رستم	۲۷	۰	۲۷۳	۰	۰	۳۰۰

جدول (۳۳) میزان مشارکت در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

دوره دوازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۸۱,۳۹	۱۰۲۵۶۰	۱۲۶۰۰۰	ممسنی و رستم

تصویر ۲۲) رخ‌نگاره‌ای از امید نصیبی

(نماینده‌ای که سرمایه اجتماعی قوی و گسترده‌ای داشت و مشخص شد انقلابی و مناسب دوران گذار قدرت است)



۶) نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی در نورآباد ممسنی فارس هرچند در ظاهر به شکل «جامعه‌پراتوری» اما در باطن، در جستجوی حقیقت و بار سیاسی و انتقادی دارد. چنین جغرافیای‌انگیزی به‌طور کلی ریشه در ژئوموفولوژی زاگرس و پیام انتقادی پارسی‌گویان نورآباد فارس است. دروازه ورود نخبگان به شیراز مرکز استان فارس، نورآباد ممسنی است. انسان ممسنی، پرانرژی و دائم در حال کنش بوده است. ترکیب دو نوع الگوی رأی‌دهی بافتاری و مکانی، منجر به خلق مفهوم جغرافیای‌انگیزش شده است. الگوی بافتار هویتی، درون‌زا و درون‌نگراست و الگوی مکانی، نگرشی و افق به بیرون و شهر دارد. هرچند تاکنون بافتار بر مکان غلبه پیدا کرده است اما این چنین جغرافیای‌انگیزی در حال مبدل شدن به دموکراسی محلی است. با بررسی و تحلیل دوازده دوره فرایند سیاسی می‌توان گفت، نورآباد و حوزه‌های انتخابیه‌اش (ممسنی و رستم) در حال رفتن به سمت کنش رأی‌عقلی هستند. به‌طور کلی، چهار کلان‌روایت صمدی و موسوی، قائدی و انصاری، احمدی و امینی و مرادی و گودرزی در حوزه انتخابیه شکل گرفته است. کلان‌روایت صمدی و موسوی از جنس «رهایی» و «دربندی» بود. شجاعیان، انسان سیاسی رها از مشکلات داخلی و دغدغه پیشرفت شهرستان به سمت شهری/فارس شدن و موسوی دغدغه گزینش و انقلابی شدن توده را داشت. رقابت‌های صمدی و موسوی یک‌دهه طول کشید و موسوی چنددهه حیات اجتماعی ممسنی را زیر سلطه داشت. جغرافیای‌انگیزش این دوره از جنس تقابل دو مکتب فرهنگی و نظامی/مذهبی رادیکال بود. اندیشه صمدی، درهم آمیختگی شادی ساز و نقاره‌ای/موسیقی متناسب با واقعیت‌های ممسنی، اما جبهه‌ی موسوی در پی ایدئولوژی‌سازی فضا بود. کلان‌روایت دوم بین انصاری و قائدی شکل گرفت. این روایت فراگیر، اگرچه خروجی یک کارزار انتخاباتی «میلیمتری» و «هیجان‌انگیز» بود، اما چهارسال در امتداد چهارسال قبل، روند توسعه‌یافتگی ممسنی به درستی پیش رفت و شادی حاصل نورآباد ممسنی‌ها نشد. به نظر با رفتن قائدی به مجلس، حوزه انتخابیه، انگیزش بیشتری به سمت دی‌ولوپمنت پیدا می‌کرد. جغرافیای‌انگیزش

این انتخابات از جنس اجتماعی و مدنی بود و به همین خاطر رقابت سنگین و فشرده شکل گرفته است. جغرافیای انگیزش کلان‌روایت سوم از جنس سیاسی و جناحی است. امینی، نامزد اصلاح طلب و احمدی نامزد اصولگرای منتقد است. در این ادوار، ممسنی درونمایه سیاسی و انتقادی به خود گرفت و شکاف‌های فعال چپ و راست در اندیشه این انسان بیشتر نمایان شد. چهار سال توسعه سیاسی (آوای نور و سرو) زمینه را برای توسعه اقتصادی (سد پارسیان و پتروشیمی) فراهم ساخت. بازتعریف شادمانی در معنای توسعه سیاسی و اقتصادی/صنعتی شدن ماحصل فراروایت سوم بود. جغرافیای انگیزش کلان‌روایت چهارم از جنس تعصب و شورانگیز طایفه‌ای بود. رنگ‌بندی‌های مکانی و فضایی در این دوره بازتولید اجتماعی شد. بودجه‌پاشی، مرام و معرفت، تیره‌گرایی، کارهای فردی و نشاط ورزشی، برداشت بازیگران روایت مسلط چهارم از شادکامی بود. به‌طور کلی می‌توان گفت این گفتمان‌های برتر منجر به تولید انگیزش جغرافیایی شده است.

چنین گستره انگیزش، تاکنون برای نظام سیاسی، سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌رفته است، اما سیستم سیاسی آن‌طور که شواهد نشان می‌دهد از این همه سرمایه اجتماعی که سندی بر مشروعیت و مقبولیت جمهوری اسلامی است به‌درستی سود نبرده است. میزان سهم‌خواهی سرزمین‌های درون‌کشور متناسب با تصمیم‌گیری در امور کشورداری است. اما اکنون این پرسش بنیادی مطرح است که دولت، تاکنون چقدر نخبگان نورآباد ممسنی را در امر حکم‌رانی به‌کار گرفته است؟ آیا تاکنون وزیری از این شهرستان انتخاب شده است؟ آیا نخبگان این دیار در پست‌های کلیدی کشور توانسته‌اند حضور پیدا کنند یا خیر؟ به‌نظر می‌رسد چنین اعتماد و پشتوانه اجتماعی دست‌کم گرفته شده است و نورآباد ممسنی فارس با همه‌ی توانمندی‌هاش، توسط اولیای امور بالادستی مورد توجه قرار نگرفته است. در این صورت است که مشارکت اجتماعی که جزء اصول مهم توسعه و بازسازی کشور محسوب می‌شود به‌تدریج توسط مردم، بی‌اهمیت و نادیده‌گرفته می‌شود. بررسی میزان رأی‌دهی و مشارکت در ادوار انتخابات نشان می‌دهد که در برخی ادوار، مشارکت از جمعیت واجد شرایط رأی بیشتر است اما سطح توسعه شهرستان، طوری است که هنگامی که اهالی خانواده همسر از مشهد به نورآباد سفر کردند، گفتند اینجا یک روستاست.

مشارکت سیاسی با انتخاب امید نصیبی، سهم‌خواهی از قدرت است چراکه ریشه در حس و تعلق مکانی دارد که ستاندنی و زایل‌شدنی نیست. در واقع جغرافیای انگیزش به این خاطر که فضا در حال تکامل به شکوفایی و فراینازهاست، کنش سیاسی را تداوم بخشیده است. چنین بافت انگیزشی از آنجاکه بار سیاسی و انتقادی دارد، توسعه‌گراست و البته، ابزار دست حکومت برای مشروعیت نیست بلکه زایش نیاز به تغییر و انگیزه است. به‌نظر با توجه به روند کم‌توسعه‌یافتگی حوزه انتخابیه، ماندگاری نورآباد ممسنی فارس در مقام سیمای انگیزش، این دلیل را داشته که این انسان، به کارزار انتخاباتی به‌چشم «گردشگری و امید به اصلاحات» نگریسته است. نیاز به گردشگری برای برآوردن شدن نیازهای اساسی و فرایندها. در صورتی که این پارلمان نتواند آمال و آرزوهای فضا را برآورده کند نقشه انگیزش به‌شکلی

دیگر و بی‌اجماع ادامه پیدا می‌کند. بنابراین روند مشارکت سیاسی نشان از جغرافیای‌انگیزش انتقادی و بازنمایی مثبت از تبدیل زهرستان ممسنی به شکرستان نورآباد فارس به تدریج در طی زمان است.

جدول (۳۴) ویژگی‌های جغرافیای‌انگیزش در ادوار کارزار انتخاباتی

از جنس دموکراسی	دور اول و دوم؛ جغرافیای‌انگیزش
از جنس اجبار و ایدئولوژیک	دور سوم؛ جغرافیای‌انگیزش
از سر رو کم کنی و آراء سلبی (نه به موسوی)	دور چهارم؛ جغرافیای‌انگیزش
از جنس شورانگیزی و رندی	دور پنجم؛ جغرافیای‌انگیزش
از جنس سیاسی / حزبی	دور ششم؛ جغرافیای‌انگیزش
از جنس برانگیختگی و لج‌بازی	دور هفتم؛ جغرافیای‌انگیزش
از جنس برانگیختگی و طایفه‌ای	دور هشتم؛ جغرافیای‌انگیزش
از جنس عروسک خیمه‌شب‌بازی	دور نهم؛ جغرافیای‌انگیزش
از جنس روشنگری نخبگان سیاسی و فکری	دور دهم؛ جغرافیای‌انگیزش
از جنس شهرستانی و طایفه‌ای	دور یازدهم؛ جغرافیای اقلیت‌انگیزش
از جنس جهادی و طایفه‌ای	دور دوازدهم؛ جغرافیای اقلیت‌انگیزش

منبع: (ترسیم و تدوین از نگارنگان، ۱۴۰۳)

۷) منابع مالی

آنچه انگیزه شد تا نویسندگان به نگارش مقاله کنونی مبادرت ورزند، ارسال این پالس به مسئولان امور کشورداری است که متناسب با مشارکت مردم در فضاهای جغرافیایی مختلف، از آن‌ها در راستای حکمرانی بهینه و تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان کشور بهره‌گیری کنند. انسان عالم وقتی میزان مشارکت انتخاباتی شهروندان ممسنی و رستم را در ادوار مختلف مشاهده می‌کند و هم‌زمان با سطح توسعه‌نیافتگی شهرستان آشنا می‌شود، گویی تنها مردم وظیفه تصمیم‌گیری در ساخت کشور را بر عهده داشته‌اند و اولیای امور مسئولیت خود را به درستی ایفا نکرده‌اند. به بیان دیگر، مردم با جان و دل در عرصه سیاسی حضور داشته‌اند، اما مسئولان از این سرمایه اجتماعی برای منافع ملی و کشورداری بهینه سود نچسته‌اند.

۸) تقدیر و تشکر

می‌توان درود فرستاد بر الوهیت کسانی که آگاهانه از انتخابات ادوار سخن گفته و با مصاحبه و ارائه اطلاعات درباره کم‌وکیف فرایند سیاسی انتخابات، نویسندگان را یاری کردند. همچنین سپاس و ستایش حمایت درگاه احدیت همراه با مهندس شهرام دارابی‌کیا، حسابرس ارشد مالیاتی رهام ماهوری، ارکستر رشید جوکار و خوانندگان علی و اسماعیل قیصری باد، که همواره وجودشان، مایه انگیزش و امید برای نویسندگان بوده است.

۹) فهرست منابع

- الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۵)؛ مدیریت عمومی، ویراست سوم، تهران، نشر نی.
- تاجبخش، فرشاد (۱۳۹۳)؛ فراسو، فصل‌نامه فرهنگی اجتماعی استان فارس، سال هفتم، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- حافظ‌نیا محمدرضا و صادقی، وحید (۱۴۰۰)؛ تبیین رابطه طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی (نمونه پژوهی): انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۷.
- خلیلی، محسن (۱۴۰۴)؛ چه دانی که همه‌پرسی چیست؟ کانال تلگرامی محسن خلیلی: داستانک ایرانی سیاست، آدرس؛
- <https://t.me/kabkekebek>
- رادیو فردا (۱۴۰۴)؛ علی‌یف می‌گوید موضع تهران در مورد زنگزور همان است که پزشک‌یان می‌گوید نه ولایتی، چهارشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۴، قابل دسترس به این آدرس:
- <https://www.radiofarda.com/a/33514298.html>
- صادقی، وحید (۱۴۰۲)؛ تبیین عوامل موثر بر پیروزی نامزدها در پیکار انتخاباتی و ارائه الگوی بهینه، رساله دکتری جغرافیای سیاسی منتشر نشده دانشگاه فردوسی مشهد.
- صادقی، وحید (۱۳۹۳)؛ بررسی تاثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی (مطالعه موردی: شهرستان ممسنی)؛ پایان‌نامه ارشد جغرافیای سیاسی منتشر نشده دانشگاه تربیت مدرس.
- فرمانداری ممسنی (۱۳۸۷-۸۲-۷۱-۷۰-۱۳۶۳)؛ صورت جلسه گزارش نتیجه اولین، دومین، هفتمین، هشتمین و نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی.
- فرمانداری ممسنی (۱۴۰۳-۹۸-۹۵-۹۰)؛ نتایج انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی.
- گستری، پروانه و همکاران (۱۴۰۲)؛ مجموعه دروس اختصاصی اسناد و قوانین بالادستی آموزش و پرورش، روش‌ها و فنون تدریس، روانشناسی پرورشی (تربیتی)، سنجش و اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی، تهران، مدرسان شریف.
- معاونت سیاسی دفتر انتخابات استانداری فارس (۱۳۹۰-۱۳۸۳)؛ اطلاعات آماری مربوط به حوزه انتخابیه ممسنی.
- مؤذنی، محمدعلی (۱۳۷۹)؛ سیمای انتخابات فارس (با تاکید بر انتخابات مجلس ششم)، حوزه معاونت سیاسی - امنیتی دفتر امور اجتماعی و انتخابات، وزارت کشور، استانداری فارس.
- نگهداری، منصور (۱۳۹۰)؛ اطلاعات آماری، انتخابات دور اول تا ششم مجلس شورای اسلامی در استان فارس.
- نگهداری، منصور و حسینی، محمدعلی (۱۳۸۷)؛ نگاهی به انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در استان فارس، اردیبهشت ماه ۱۳۸۷.
- Seligman, M. E. P. (2002). *Authentic Happiness: Using the New Positive Psychology to Realize Your Potential for Lasting Fulfillment*. New York: Free Press.